فهرست

[بخش اول: مباني،اهداف ،آرمان ها و وظايف ما در جمهوري اسلامي 3](#_Toc353806095)

[بخش دوم: معيار هاي کلی يك كانديداي اصلح براي رياست جمهوري 7](#_Toc353806096)

[مستضعفين بيشتر بايد مورد توجه مسئولان باشند 7](#_Toc353806097)

[اصلح يعني كسي كه براي ريشه كني فقر و فساد عزم جدي داشته باشد 7](#_Toc353806098)

[مردم از دعواهاى سياسى و من خوبم و تو بدى خسته‌اند/ به مستضعفين توجه شود 7](#_Toc353806099)

[رييس جمهور دور از فساد ، اسراف، اشرافي گري و تجمل باشد 7](#_Toc353806100)

[مردم به دنبال رييس جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئوليت باشند 8](#_Toc353806101)

[رييس جمهور بايد با اخلاص، با نشاط، شاداب، شجاع، مردمي و انقلابي باشد 8](#_Toc353806102)

[به كسي گرايش پيدا كنيد كه به دين و دنياي مردم اهميت مي دهد 8](#_Toc353806103)

[رييس جمهور  توانايي كار اجرايي داشته و دلبسته نظام و قانون اساسي باشد 8](#_Toc353806104)

[بخش سوم: آنچه که برای رییس جمهور آینده نیاز داریم... 9](#_Toc353806105)

[الف) ويژگي هاي شخصيتي رئيس جمهور 9](#_Toc353806106)

[ب) ويژگي هاي دولت نهم و دهم 11](#_Toc353806107)

[1- ويژگي هاي اصلي و انقلابي دولت 11](#_Toc353806108)

[2- دولت و منشور کارآمدي 12](#_Toc353806109)

[3- سياست هاي خارجي دولت 14](#_Toc353806110)

[4- ويژگي هاي مردمي بودن دولت 15](#_Toc353806111)

[ج) انتظارات و توصيه ها به دولت 17](#_Toc353806112)

[1-دولت و توجه به سياست هاي اصلي نظام 17](#_Toc353806113)

[2- دولت و مسايل فرهنگي 19](#_Toc353806114)

[3-دولت و مسايل مديريتي 20](#_Toc353806115)

[4- دولت و مسايل اقتصادي 23](#_Toc353806116)

[5-دولت و مسايل سياسي 26](#_Toc353806117)

[6- دولت و توصيه هاي اخلاقي 27](#_Toc353806118)

[7- دولت و دانش و نخبگان 28](#_Toc353806119)

[8- دولت و مردم 29](#_Toc353806120)

[د) نکات منفي و سلبي 31](#_Toc353806121)

[غليظ کردن ادبيات ديني بدون تناسب داشتن با رفتار 31](#_Toc353806122)

[غرور نداشتن 31](#_Toc353806123)

[دنيا طلب نبودن 31](#_Toc353806124)

[سطحي نگري نداشتن در امور فرهنگي 31](#_Toc353806125)

[رفع مظلوميت از حوزه فرهنگ 31](#_Toc353806126)

[دقت در جذب و صرف بودجه هاي فرهنگي 31](#_Toc353806127)

[توقعات مردم را بالا نگه نداريد با وعده هاي بدون ضمانت اجرايي 31](#_Toc353806128)

[بهانه به دست ديگران ندهيد 32](#_Toc353806129)

[عدم موازي کاري در دولت 32](#_Toc353806130)

[عدم مشورت بانخبگان 32](#_Toc353806131)

[واردات بي رويه 32](#_Toc353806132)

[دچار حاشيه سازي نشويد 32](#_Toc353806133)

[کنترل نقدينگي بازار 32](#_Toc353806134)

[عدم تحقق وعده ها به مردم 32](#_Toc353806135)

#

# مباني،اهداف ،آرمان ها و وظايف ما در جمهوري اسلامي**[[1]](#footnote-1)**

به طور كلى وظايفى برعهده ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حكومت، هم ما به عنوان يك فرد مسلمان. اما اين وظايف يك مبناى فكرى دارد. خصوصيت تفكّر اسلامى و مكتب اسلامى و دينى اين است. اگر از اين بحث مى‌كنيم كه بايد آزادى باشد، يا انتخاب و اختيار در جامعه براى مردم وجود داشته باشد، يا هر يك از سياستهاى عمومى و كلّى را مورد بحث قرار مى‌دهيم، براى هر كدام از اينها مبنايى وجود دارد. اگر از ما بپرسند چرا مردم بايد حق رأى داشته باشند، يك استدلال فكرى و منطقى پشت سرش وجود دارد؛ معلوم است چرا. همه آنچه كه در زمينه برنامه‌ريزيها، خطوط اصلى برنامه‌ها را تشكيل مى‌دهد، يك سر اين برنامه‌هاى اصلى وصل است به آبشخور انديشه اسلامى، جهان‌بينى اسلامى، تلقّى و برداشت اسلامى؛ كه اين ايمان ماست، اعتقاد ماست، دين ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقّى است كه وظايف خودمان را مشخّص مى‌كنيم و مى‌خواهيم به آنها عمل كنيم. آن مبناى فكرى چيست؟ به طور كوتاه و خلاصه از اين‌جا بايد شروع كنيم و ببينيم كه آن خطوط اصلىِ تلقّى و بينش اسلام از كائنات، از عالم و از انسان چيست. البته اين مخصوص اسلام هم نيست. همه اديان - اگر تحريف نشده باشند - در مبناى صحيح و ريشه اصلىِ خودشان همين بينش را دارند. اسلامِ سالم و دست نخورده و متّكى به منابع متقن، در اختيار ماست. بقيه اديان ممكن است اين خصوصيات را نداشته باشند.

**آن مجموعه معارفى كه خطوط اصلى عملكرد و وظايف ما از آنها به دست مى‌آيد - يعنى جهان‌بينى و بينش اسلامى - فصول متعدّدى دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت داراى تأثير است؛ كه من پنج نقطه مؤثّرتر و مهمتر را انتخاب كرده‌ام و عرض مى‌كنم.**

**از اين پنج نقطه، يكى توحيد است.** توحيد، يعنى اعتقاد به اين‌كه اين تركيب پيچيده بسيار عجيب و شگفت‌آور و قانونمند كائنات و عالم آفرينش، از كهكشانها و سحابيها و حفره‌هاى عظيم آسمانى و كرات بى‌شمار و ميليونها منظومه شمسى بگيريد، تا سلول كوچك جزء فلان پيكر، فلان جسم و تركيب ريز شيميايى - كه آن‌قدر نظم در اين تركيب عظيمِ متنوّع و پيچيده وجود دارد كه هزاران قانون از آن استنباط كرده‌اند؛ چون وقتى نظم غيرقابل تخلّف شد، از آن قوانين تكوينى و بى‌تخلّف استفاده مى‌شود - ساخته و پرداخته يك فكر و انديشه و تدبير و قدرت است و تصادفاً به وجود نيامده است. ا.

**ركن دوم، تكريم انسان است؛ يا مى‌توانيم به آن بگوييم انسان محورى.** البته انسان محورى در بينش اسلامى، به‌كلّى با اومانيسم اروپاى قرون هجده و نوزده متفاوت است. آن يك چيز ديگر است، اين يك چيز ديگر است. آن هم اسمش انسان محورى است؛ اما اينها فقط در اسم شبيه همند.«الم تروا انّ اللَّه سخّر لكم ما فى السّموات و ما فى الأرض». كسى كه قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دينى را نگاه كند، اين تلقّى را به‌خوبى پيدا مى‌كند كه از نظر اسلام، تمام اين چرخ و فلك آفرينش، بر محور وجود انسان مى‌چرخد. اين شد انسان‌محورى.اما دو آيه هم در قرآن هست كه همين تعبيرى را كه گفتم - «سخّر لكم ما فى السّموات و ما فى الارض»؛همه اينها مسخر شمايند - بيان مى‌كند. مسخّر شمايند، يعنى چه؟ يعنى الان بالفعل شما مسخّر همه‌شان هستيد و نمى‌توانيد تأثيرى روى آنها بگذاريد؛ اما بالقوّه طورى ساخته شده‌ايد و عوالم وجود و كائنات به گونه‌اى ساخته شده‌اند كه همه مسخّر شمايند. مسخّر يعنى چه؟ يعنى توى مشت شمايند و شما مى‌توانيد از همه آنها به بهترين نحو استفاده كنيد. اين نشان دهنده آن است كه اين موجودى كه خدا آسمان و زمين و ستاره و شمس و قمر را مسخّر او مى‌كند، از نظر آفرينش الهى بسيار بايد عزيز باشد. همين عزيز بودن هم تصريح شده است: «و لقد كرّمنا بنى‌آدم». اين «كرّمنا بنى‌آدم» - بنى‌آدم را تكريم كرديم - تكريمى است كه هم شامل مرحله تشريع و هم شامل مرحله تكوين است؛ تكريم تكوينى و تكريم تشريعى با آن چيزهايى كه در حكومت اسلامى و در نظام اسلامى براى انسان معين شده؛ يعنى پايه‌ها كاملاً پايه‌هاى انسانى است.

**سومين نقطه اصلى و اساسى در جهان‌بينى اسلامى، مسأله تداوم حياتِ بعد از مرگ است**؛ يعنى زندگى با مردن تمام نمى‌شود. در اسلام و البته در همه اديان الهى - اين معنا هم جزو اصول جهان‌بينى است و تأثير دارد. همان‌طور كه گفتم، تمام اين اصول جهان‌بينى، در تنظيم روابط زندگى و در تنظيم پايه‌هاى حكومت اسلامى و اداره جامعه و اداره عالم مؤثّر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله جديدى مى‌شويم. اين‌طور نيست كه انسان نابود شود؛ از جوى جَستن و رفتن به يك مرحله ديگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسأله حساب و كتاب و قيامت و اين چيزهاست.

**چهارمين نقطه اصلى اين جهان‌بينى، عبارت است از استعداد بى‌پايان انسان در دارا بودن تمام چيزهايى كه براى تعالى كامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد كه تا آخرين نقطه تعالى حياتِ ممكنات بالا برود؛ اما بقيه موجودات اين امكان را ندارند**. در آيه شريفه «لقد خلقنا الأنسان فى احسن تقويم»، «احسن‌تقويم» معنايش اين نيست كه ما جسم انسان را طورى آفريده‌ايم كه مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ اين‌كه مخصوص انسان نيست؛ هر حيوانى نيز همين‌طور است. در بهترين تقويم، يعنى در بهترين اندازه‌گيرى انسان را آفريده‌ايم. اگر بشر بخواهد اين سير را داشته باشد، جز با استفاده از امكانات عالم ماده ممكن نيست. اين هم جزو مسلّمات است؛ لذا مى‌گويد «خلق لكم ما فى‌الأرض جميعا».(7) بنابراين سير تعالى و تكاملى انسان در خلأ نيست؛ با استفاده از استعدادهاى ماده است؛ بنابراين با هم سير مى‌كنند؛ يعنى شكوفايى انسان، همراه با شكوفايى عالمِ ماده و عالمِ طبيعت است؛ اين در شكوفايى او اثر مى‌گذارد، او در شكوفايى اين اثر مى‌گذارد و پيشرفتهاى شگفت‌آور را به وجود مى‌آورد.

**آخرين نقطه‌اى كه در اين زمينه از بينش اسلامى عرض مى‌كنم، اين است كه از نظر اسلام و بينش اسلامى، جريان عالم به سمت حاكميت حق و به سمت صلاح است؛ اين بروبرگرد هم ندارد.** **همه انبيا و اوليا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلى‌اى سوق دهند كه وقتى وارد آن شد، بدون هيچ‌گونه مانعى تمام استعدادهايش مى‌تواند بُروز كند**.**هنوز بشريّت به نقطه شروع آن صراط مستقيم نرسيده است؛ آن در زمان ولى‌عصر ارواحنافداه محقّق خواهد شد.قطعاً اين‌طورى است كه در نهايت، صلاح بر فساد غلبه خواهد كرد؛ قواى خير بر قواى شر غلبه مى‌كنند. اين هم يك نقطه از نقاط جهان‌بينى اسلامى است كه در آن هيچ‌گونه ترديدى نيست.**

**حال براساس اينها يك نتايج عملى به دست مى‌آيد و وظايفى برعهده انسانهايى كه معتقد به اين مبانى‌اند، قرار مى‌گيرد**. فرق نمى‌كند؛ چه حكومت اسلامى باشد و حاكميت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حكومت اسلامى نباشد اين وظايفى كه عرض مى‌كنم، در هر دو حالت بر دوش يكايك انسانها هست. اين وظايف چيست كه اينها نتايج عملى آن بينش است؟ من چند نقطه از اين وظايف را يادداشت كرده‌ام كه در اين‌جا مطرح مى‌كنم:

**يك وظيفه عبارت است از عبوديت و اطاعت خداوند.** چون عالَم مالك و صاحب و آفريننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء اين عالَميم، لذا بشر موظف است اطاعت كند. اين اطاعت بشر به معناى هماهنگ شدن او با حركت كلى عالم است.انسان اگر برطبق قوانين و وظايف شرعى و دينى كه دين به او آموخته است - عمل كند، هماهنگ با اين حركتِ آفرينش حركت كرده؛ لذا پيشرفتش آسانتر است؛ تعارض و تصادم و اصطكاكش با عالم كمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاحِ خودش و دنيا هم نزديكتر است. البته عبوديت خدا با معناى وسيع و كامل آن مورد نظر است؛ چون گفتيم توحيد، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفى الوهيّت و عظمت متعلق به بتها و سنگها و چوبهاى خودساخته و انسانهاى مدّعىِ خدايى و انسانهايى كه اسم خدايى كردن هم نمى‌آورند، اما مى‌خواهند عمل خدايى كنند. **پس در عمل، دو وظيفه وجود دارد: يكى اطاعت از خداى متعال و عبوديت پروردگار عالم، و دوم سرپيچى از اطاعت «انداد اللَّه»؛ هر آن چيزى كه مى‌خواهد در قبال حكمروايى خدا، بر انسان حكمروايى كند. ذهن انسان فوراً به سمت اين قدرتهاى مادّى و استكبارى مى‌رود؛ البته اينها مصاديقش هستند؛ اما يك مصداق بسيار نزديكتر دارد و آن، هواى نفس ماست. شرط توحيد، سرپيچى كردن و عدم اطاعت از هواى نفس است؛ كه اين «اخوف ما اخاف» است .**

**دوم، هدف گرفتن تعالىِ انسان است؛ تعالىِ خود و ديگران.** اين تعالى شامل تعالىِ علمى، تعالىِ فكرى، تعالىِ روحى و اخلاقى، تعالىِ اجتماعى و سياسى - يعنى جامعه تعالى پيدا كند - و تعالىِ اقتصادى است؛ يعنى رفاه امور زندگى مردم. همه موظّفند براى اين چيزها تلاش كنند: گسترش و پيشرفت علم براى همه؛ حاكميت انديشه سالم و فكر درست؛ تعالىِ روحى و معنوى و اخلاقى، خُلق كريم و مكارم اخلاق؛ پيشرفت اجتماعىِ بشرى - نه فقط جنبه‌هاى معنوى و علمى و اخلاقى يك فرد، بلكه جامعه هم مورد نظر است - و پيشرفت امور اقتصادى و رفاهى انسانها، و بايستى مردم را به سمت رفاه و تمتّع هرچه بيشتر از امكانات زندگى پيش ببرند. اين يكى از وظايف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حكومت هم نيست؛ در دوره حكومتِ غير خدا هم اين وظيفه وجود دارد.

**سوم، ترجيح فلاح و رستگارى اُخروى بر سود دنيوى، اگر با هم تعارض پيدا كردند**.يعنى اگر در موردى پيش آمد كه يك سود دنيوى در جهت هدفهاى اُخروى قرار نگرفت، تا آن‌جايى كه ممكن است، انسان بايد سعى كند اين سود دنيوى را در جهت هدفهاى اُخروى قرار دهد. اگر يك جا با هم سازگار نبود، انسان يا بايستى از يك سود چشم بپوشد - چه سود مالى، چه سود قدرت و مقام و محبوبيّت و... - يا بايستى گناهى را مرتكب شود كه موجب وزر اُخروى است. لازمه اعتقاد به آن جهان‌بينى اين است كه انسان جنبه اُخروى را ترجيح دهد؛ يعنى از آن سود صرف‌نظر كند و آن گناه را مرتكب نشود. برعهده هر مسلمانى است كه اين‌گونه عمل كند. انسان بايد فعاليتهاى خودش را برنامه‌ريزى كند؛ به نحوى كه با تلاشهاى عظيم دنيوى كه ناگزير است آنها را انجام دهد، منافاتى پيدا نكند و برخلاف فلاح اُخروى و وظايفى كه تخلّف از آنها ممكن است در آخرت براى انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.

**چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. يكى از كارهاى واجب و اصلى براى هر انسانى اين است كه مبارزه كند؛ يعنى دائم بايد تلاش كند و به تنبلى و بى‌عملى و بى‌تعهّدى تن ندهد.** **گاهى انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظايف اصلى تعهّد ندارد؛ مى‌گويد به ما چه! كجرويهاى برخاسته از هوس نيز همين‌طور است. انسان به اينها نبايد تن بدهد. بايستى حتماً با تنبلى و بى‌عملىِ خودش مبارزه كند؛ تلاش و مجاهدت كند و در اين راه قبول خطر كند. البته اين مجاهدت بايد مجاهدت فى‌سبيل‌اللَّه باشد كه آن را در بند بعدى عرض مى‌كنم.**

**پنجمى و آخرى، اميد به پيروزى در همه شرايط است؛ به شرط آن كه جهاد فى سبيل‌اللَّه باشد. كسى كه مشغول مجاهدت است، حق ندارد نااميد شود؛ چون يقيناً پيروزى در انتظار اوست.** آن مواردى كه پيروزى به دست نيامده و نا كامى حاصل شده است، به اين خاطر بوده كه مجاهدت فى‌سبيل‌اللَّه نبوده است؛ يا اگر مجاهدت بوده، فى‌سبيل‌اللَّه نبوده؛ يا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فى‌سبيل‌اللَّه چيست؟ اين است كه انسان به سبيل اللَّه ايمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراين مى‌تواند در راه آن مجاهدت كند.

**اينها وظايف يك انسان به عنوان يك فرد و وظايف يك مجموعه به عنوان حكومت است.** عرض كردم، اينها مخصوص دوران قدرت نيست كه چون امروز حكومت در دست مجموعه مؤمنين باللَّه و مؤمنين به اسلام است، ما اين وظايف را داريم. آن وقتى هم كه قدرت در دست اين مجموعه نبود همه اين وظايف وجود داشت. بعضى عمل مى‌كردند، بعضى عمل نمى‌كردند؛ بعضى بيشتر عمل مى‌كردند، بعضى كمتر عمل مى‌كردند. اين وظايف الان هم برعهده همه مسلمانهاست؛ البته بعضى وظايفشان بيشتر است، بعضى كمتر است.

ايجاد اين قدرت الهى و اسلامى، امر بسيار دشوارى است. اين چيزى كه الان پيش آمده و شما مى‌توانيد از طريق آن، اين هدفها را تحقّق ببخشيد، آسان به دست نيامده است. صدها شرط و صدها موقعيت بايد رديف شوند و كنار هم قرار گيرند تا حادثه‌اى مثل انقلاب اسلامى بتواند رخ دهد. اين‌طور نبود كه در هر زمانى، در هر شرايطى، در هر كشورى، چنين حادثه‌اى بتواند پيش بيايد؛ نه. در تاريخ ما، در وضع زندگى ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعى ما، در اعتقادات ما، در وضع حكومت ما، در وضع جغرافيايى ما، در ارتباطات سياسى و اقتصادى عالم، آن‌قدر حوادثِ فراوان كنار هم قرار گرفت تا شرايط آماده شد براى اين‌كه انقلاب اسلامى به وجود آيد و پيروز شود. اين شرايط، آسان به دست نمى‌آيد. اين همه شرايط با همديگر مجتمع شوند تا چنين چيزى پيش آيد؛ چيز بسيار مستبعدى است. البته نه اين‌كه ممكن نيست - قطعاً اگر شرايط را پيش بياورند، در همه جا ممكن است - ليكن در كشور ما به‌هرحال اين شرايط پيش آمد و شد؛ و اين پديده بسيار مغتنم و ديرياب و عجيبى است، بايد قدر اين را دانست.

**ما مى‌خواهيم آن نظامى، آن تشكيلاتى و آن حكومتى را كه بتوان اين هدفها را در آن محقّق كرد، به وجود آوريم. اين يك فرآيند طولانى و دشوارى دارد و شروعش از انقلاب اسلامى است.** البته انقلاب كه مى‌گوييم، حتماً به معناى زد و خورد و شلوغ كارى و امثال اينها نيست؛ برخلاف آن برداشتهايى است كه مى‌بينيم در بعضى از نوشته‌ها خوششان مى‌آيد با كلمه‌ى انقلاب بازى كنند! گاهى مى‌خواهند انقلاب را به معناى شورش، اغتشاش، بى‌نظمى و بى‌سامانى وانمود كنند و بگويند ما انقلاب نمى‌خواهيم؛ يعنى انقلاب چيز بدى است! اين برداشتهاى غلط از انقلاب است. انقلاب يعنى دگرگونى بنيادى. البته اين دگرگونى بنيادى در اغلب موارد بدون چالشهاى دشوار و بدون زورآزمايى، امكانپذير نيست؛ اما معنايش اين نيست كه در انقلاب حتماً بايستى اغتشاش و شورش و امثال اينها باشد؛ نه، ولى هر شورش و هر اغتشاش و هر تهيّج عام و توده‌اى هم معنايش انقلاب نيست؛ هر تحولى هم معنايش انقلاب نيست؛ انقلاب آن‌جايى است كه پايه‌هاى غلطى برچيده مى‌شود و پايه‌هاى درستى به جاى آن گذاشته مى‌شود**. اين قدمِ اوّل است. انقلاب كه تحقّق پيدا كرد، بلافاصله بعد از آن، تحقّق نظام اسلامى است. نظام اسلامى، يعنى طرح مهندسى و شكل كلّى اسلامى را در جايى پياده كردن**. مثل اين‌كه وقتى در كشور ما نظام سلطنتىِ استبدادىِ فردىِ موروثىِ اشرافىِ وابسته برداشته شد، به جاى آن، نظام دينىِ تقوايىِ مردمىِ گزينشى جايگزين مى‌شود؛ با همين شكل كلّى كه قانون اساسى برايش معيّن كرده، تحقق پيدا مى‌كند؛ يعنى نظام اسلامى. **بعد از آن كه نظام اسلامى پيش آمد، نوبت به تشكيل دولت اسلامى به معناى حقيقى مى‌رسد؛ يا به تعبير روشن‌تر، تشكيل منش و روش دولتمردان - يعنى ماها - به گونه اسلامى**؛ چون اين در وهله‌ى اول فراهم نيست؛ بتدريج و با تلاش بايد به وجود آيد. مسؤولان و دولتمردان بايد خودشان را با ضوابط و شرايطى كه متعلق به يك مسؤول دولت اسلامى است، تطبيق كنند. يا چنان افرادى - اگر هستند - سر كار بيايند؛ يا اگر ناقصند، خودشان را به سمت كمال در آن جهت حركت دهند و پيش ببرند**. اين مرحله سوم است كه از آن تعبير به ايجاد دولت اسلامى مى‌كنيم.** نظام اسلامى قبلاً آمده، اكنون دولت بايد اسلامى شود. دولت به معناى عام، نه به معناى هيأت وزرا؛ يعنى قواى سه‌گانه، مسؤولان كشور، رهبرى و همه. **مرحله‌ى چهارم - كه بعد از اين است - كشورِ اسلامى است. اگر دولت به معناى واقعى كلمه اسلامى شد، آن‌گاه كشور به معناى واقعى كلمه اسلامى خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعيض از بين خواهد رفت؛ فقر بتدريج ريشه‌كن مى‌شود؛ عزّت حقيقى براى مردم به وجود مى‌آيد؛ جايگاهش در روابط بين‌الملل ارتقاء پيدا مى‌كند؛ اين مى‌شود كشور اسلامى. از اين مرحله كه عبور كنيم، بعد از آن، دنياى اسلامى است. از كشور اسلامى مى‌شود دنياى اسلامى درست كرد. الگو كه درست شد، نظايرش در دنيا به وجود مى‌آيد.**

**ما در كدام مرحله‌ايم؟ ما در مرحله‌ى سوميم؛ ما هنوز به كشور اسلامى نرسيده‌ايم. هيچ كس نمى‌تواند ادّعا كند كه كشور ما اسلامى است. ما يك نظام اسلامى را طرّاحى و پايه‌ريزى كرديم** - «ما»، يعنى همانهايى كه كردند - و الان يك نظام اسلامى داريم كه اصولش هم مشخّص و مبناى حكومت در آن‌جا معلوم است. مشخّص است كه مسؤولان چگونه بايد باشند. قواى سه‌گانه وظايفشان معيّن است. وظايفى كه دولتها دارند، مشخّص و معلوم است**؛ اما نمى‌توانيم ادّعا كنيم كه ما يك دولت اسلامى هستيم؛ ما كم داريم. ما بايد خودمان را بسازيم و پيش ببريم. ما بايد خودمان را تربيت كنيم. البته اگر در رأس كار يك امام معصوم مثل اميرالمؤمنين عليه‌الصّلاةوالسّلام باشد كه قولش، فعلش و منشش الگوست، كار براى كارگزاران نظام آسانتر است؛ چون نسخه كامل را در اختيار دارند و در همه چيزش هدايت هست. وقتى آدمى مثل من در رأس كار باشد، البته كارِ كارگزاران مشكلتر است؛ ولى ثوابشان هم بيشتر است. اگر توانستند در اين راه حركت كنند، اجر الهى‌شان بيشتر خواهد شد.** هر كدام از شما تلاش كنيد كه براى اين مسؤوليتها خودتان را با الگوى اسلامى منطبق سازيد؛ يعنى دينتان، تقوايتان، رعايتتان نسبت به حال مردم، رعايتتان نسبت به شرع، رعايتتان نسبت به بيت‌المال، اجتنابتان از خودخواهيها و خودپرستيها و رفيق‌بازيها و قوم‌وخويش‌پرستيها و اجتنابتان از تنبلى و بيكارگى و بى‌عملى و هوى‌ و هوس و اين چيزها مطابق با الگوى اسلام باشد. هر كدام از شما بتوانيد در اين زمينه‌ها كار خودتان را بكنيد و پيش برويد و خودتان را بسازيد، البته ثواب شما از آن كسى كه در زمان اميرالمؤمنين عليه‌الصّلاةوالسّلام اين كار را مى‌كرد، يقيناً بيشتر است؛ چون او به اميرالمؤمنين عليه‌الصّلاةوالسّلام نگاه مى‌كرد و آن حضرت الگوى كامل بود؛ اما شما چنين كسى را نداريد كه آن‌طور به او نگاه كنيد و برايتان الگو باشد؛ ليكن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه‌مان وظيفه داريم.

**عمده‌ترين خطر چيست؟ من در پاسخ به اين سؤال يك روايت مى‌خوانم. فرمود: «انّ اخوف ما اخاف عليكم اثنان اتّباع الهوى و طول الأمل». خطر عمده دو چيز است: اوّل، هوس‌پرستى و هوى‌پرستى است. تعجّب نكنيد؛ از همه خطرها بالاتر، همان هواى نفسى است كه در دل ماست؛ «انّ اعدى عدوّك نفسك الّتى بين جنبيك»؛** از همه دشمنها دشمن‌تر، همان نفس، همان «من» و همان خودى است كه در وجود توست؛ آن منيّتى كه همه چيز را براى خود مى‌خواهد. اين‌جا هم از زبان پيغمبر همين را مى‌فرمايد: «انّ اخوف ما اخاف عليكم اثنان اتّباع الهوى و طول الأمل فأمّا اتّباع الهوى فيصدّ عن الحق»؛ يعنى پيروى از هواى نفس، شما را از راه خدا گمراه مى‌كند. غالب اين گمراهيها به خاطر هواى نفس است. البته ما براى خودمان هزار رقم توجيه درست مى‌كنيم، براى اين‌كه از راه خدا منحرف شويم و حرف و عملمان غير از آن چيزى باشد كه شرع و دين براى ما معيّن كرده است. **هواى نفس خصوصيتش اين است كه شما را از سبيل‌اللَّه - كه جهاد در سبيل‌اللَّه لازم است - گمراه مى‌كند. «و امّا طول الأمل فينسى الأخرة». طول امل، يعنى آرزوهاى دور و دراز شخصى: تلاش كن، براى اين‌كه فلان طور، خانه براى خودت درست كنى؛ تلاش كن و مقدّمات را فراهم كن، براى اين‌كه به فلان مقام برسى؛ تلاش كن، زيد و عمرو را ببين و هزار نوع مشكل را پشت سر بگذار تا اين‌كه فلان سرمايه را براى خودت فراهم آورى و فلان فعاليت اقتصادى را در مشت بگيرى.** اين طول‌الأمل - يعنى آرزوهايى كه يكى پس از ديگرى مى‌آيند و تمام‌نشدنى‌اند - جلوِ چشم انسان صف مى‌كشند؛ براى انسان هدف درست مى‌كنند و هدفهاى حقير در نظر انسان عمده مى‌شود. خاصيت اين هدفها «ينسى الأخرة» است؛ آخرت را از ياد انسان مى‌برند؛ انسان دائماً مشغول هدفهاى حقير مى‌شود؛ براى انسان وقتى باقى نمى‌ماند؛ دلِ انسان را مى‌ميرانند؛ ميل به دعا، ميل به انابه، ميل به تضرّع و ميل به توجّه را براى انسان باقى نمى‌گذارند.

# معيار هاي کلی يك كانديداي اصلح براي رياست جمهوري

## مستضعفين بيشتر بايد مورد توجه مسئولان باشند

وقتى مى‌گوييم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ ليكن بديهى است كسانى از مردم بايد بيشتر مورد توجّه قرار گيرند كه بيشتر مورد محروميت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روى طبقات محروم و پابرهنگان كشور تكيه مى‌كردند. اين فريب است كه كسى ادعا كند براى مردم كار مى‌كند؛ اما در عمل، كار او براى طبقات مرفّه باشد، نه براى طبقات مستضعف و محروم. نه اين‌كه نبايد براى طبقات مرفّه كار كرد؛ آنها هم از حقوق عمومى كشور بايد بهره‌مند شوند؛ اما به آن كسى كه محروميت دارد و دستش از حقوق خود خالى مانده است، بايد بيشترِ توجّه و همّت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تكيه مى‌كرد. عملاً هم در تمام مدت پيروزى انقلاب تا امروز و قبل از آن، كسانى كه بيش از همه سينه سپر كردند، از نظام دفاع كردند، سختيهاى نظام را به جان خريدند و در مقابل دشمنان ايستادند، طبقات محروم و پابرهنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اينها بايد بيش از ديگران مورد توجّه قرار گيرند[[2]](#footnote-2).

## ****اصلح يعني كسي كه براي ريشه كني فقر و فساد عزم جدي داشته باشد****

اصلح يعنى چه كسى؟ يعنى كسى كه همين هدف‌ها را دنبال كند؛ يعنى كسى كه همين دردها را بداند و حس كند؛ يعنى كسى كه براى ريشه‌كنى فقر و فساد عزم جدى داشته باشد؛ يعنى كسى كه به حال قشرهاى محروم و مستضعف دل بسوزاند. اصلح كسى است كه هم به ترقى و پيشرفت كشور و توسعه‌ى اقتصادى و غيراقتصادى بينديشد؛ هم زير توهمات مربوط به توسعه، آن‌چنان محو و مات نشود كه از ياد قشرهاى مظلوم و ضعيف غافل بماند. اصلح كسى است كه به فكر معيشت مردم، دين مردم، فرهنگ مردم و دنيا و آخرت مردم باشد. اصلح كسى است كه بتواند اين بارِ عظيم را بر دوش بگيرد؛ هر كسى نمى‌تواند اين بار را بر دوش بگيرد؛ نشاط و حوصله و همت و قدرتِ لازم و هوشمندى لازم دارد. البته هر كس صلاحيتش در مراكز قانونى تأييد شود، صالح است؛ اما بايد در بين صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پيدا و او را انتخاب كرد. اين، هنر شما مردم است.[[3]](#footnote-3)

## ****مردم از دعواهاى سياسى و من خوبم و تو بدى خسته‌اند/ به مستضعفين توجه شود****

مردم از دعواهاى سياسى و اختلافات سياسى و من خوبم و تو بدى خسته‌اند؛ مردم اين چيزها را دوست نمى‌دارند. در كشور كارهاى زيادى هست كه بايد انجام بگيرد؛ كارهاى زيادى هم انجام گرفته است. مشكلات فراوانى وجود دارد كه بايد برطرف شود؛ گره‌هايى هست كه بايد باز شود. در كشور بايد فساد ريشه‌كن شود؛ تبعيض نباشد؛ به طبقه‌ى مستضعف و محروم - بخصوص مستضعفينِ بى‌دست و پا - به‌طور ويژه توجه شود؛ اينها وظايف اسلامى ماست؛ وظايفى است كه قانون اساسى بر دوش همه‌ى مسئولان كشور گذاشته است؛ هيچ‌كس نمى‌تواند خود را از اين كارها بركنار بدارد. دعواهاى لفظى، شعارهاى لفاظى‌گونه، اسم از مفاهيم مبهم و بى‌سروته آوردن، مشكل مردم را حل نمى‌كند؛ مردم احتياج دارند به اين‌كه در ميدان عمل و كار، با لجن‌هايى كه نمى‌گذارد اين درياچه‌ى مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود. كسى كه سر كار مى‌آيد - هر كس باشد، هر شعارى داده باشد، هر حرفى در مقام ادعا به مردم زده باشد - اولين وظيفه‌اش اين است كه براى گره‌گشايى مشكلات مردم آستين همت بالا بزند؛ همكاران خودش را از كسانى كه مؤمن به حق مردم و مؤمن به كارآيى نظام جمهورى اسلامى هستند، انتخاب كند؛ وارد ميدان عمل شود و براى مردم كار كند.[[4]](#footnote-4)

## ****رييس جمهور دور از فساد ، اسراف، اشرافي گري و تجمل باشد****

من نسبت به شخص، هيچ‌گونه نظرى ابراز نميكنم؛ اما شاخصهائى وجود دارد. بهترين، آن كسى است كه درد كشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم يگانه و صميمى باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافيگرى خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافيگرى و تجمل‌پرستى است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافيگرى باشد، مردم را به سمت اشرافيگرى و به سمت اسراف سوق خواهد داد... يكى از اساسى‌ترين كارها براى اينكه ما جلوى اسراف را بگيريم اين است كه مسئولين كشور، خودشان، كسانشان، نزديكانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافيگرى نباشند. ..  اولين كار اين است كه ما مسئولين كشور را، افرادى انتخاب كنيم كه مردمى باشند، ساده‌زيست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد كنند. اين هم به نظر من شاخص مهمى است. آگاهانه بگرديد؛ برسيد؛ و به آنچه كه رسيديد و تشخيص داديد، با قصد قربت اقدام كنيد؛ با قصد قربت پاى صندوق انتخابات برويد و خداى متعال اجر خواهد داد.[[5]](#footnote-5)

## مردم به دنبال رييس جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئوليت باشند

مردم بايد دنبال رئيس جمهورى باشند كه توانايى، شادابى، احساس مسؤوليت و آمادگى به‌كار داشته باشد.[[6]](#footnote-6)

## رييس جمهور بايد با اخلاص، با نشاط، شاداب، شجاع، مردمي و انقلابي باشد

مردم بايد با چشم باز در اين صحنه ى مهم حاضر شوند و ان شاءاللَّه خداى متعال كمك كند و دلهاى مردم را هدايت كند تا فرد با كفايت، شجاع، با اخلاص، داراى روح مردمى، شاداب و با نشاط، مؤمن به هدفها و ارزشهاى انقلاب، مؤمن به مردم، مؤمن به نيروى مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب كنند؛ اين مهمترين بخش مشاركت عمومى مردم در امسال است.[[7]](#footnote-7)

## به كسي گرايش پيدا كنيد كه به دين و دنياي مردم اهميت مي دهد

شما از نامزدِ خودتان حمايت كنيد، ديگران هم از نامزدِ خودشان حمايت كنند و به او رأى دهند. در پيدا كردن نامزد مورد نظر دقت كنيد. به كسى گرايش پيدا كنيد كه به دين مردم، به انقلاب مردم، به دنياى مردم، به معيشت مردم، به آينده‌ى مردم و به عزت مردم اهميت مى‌دهد. بحمداللَّه ميدان براى آزمودن و ديدن و شناختن باز است؛ ملت ما هم هشيار است.[[8]](#footnote-8)

## رييس جمهور  توانايي كار اجرايي داشته و دلبسته نظام و قانون اساسي باشد

هر كسى كه در خود صلاحيتى احساس ميكند و كار اجرائى بلد است، مى‌آيد و خود را در معرض انتخاب مردم ميگذارد. اداره‌ى مملكت و كار اجرائى، كار كوچكى نيست. كارهاى بزرگ و بارهاى سنگينى بر دوش مجريان سطوح بالاست. ممكن است كسانى كه در سطوح ديگرى كار ميكنند، ابعاد اين سنگينى را هم بعضاً تشخيص ندهند كه چقدر اين بار سنگين است. آن كسانى كه وارد ميدان ميشوند، بايد كسانى باشند كه در خود توانائىِ كشيدن اين بار را بيابند؛ [صلاحيتهائى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2551)را هم كه در قانون اساسى است و شوراى محترم نگهبان بر روى آنها تكيه خواهد كرد، در خودشان ملاحظه كنند و واقعاً وابسته و دلبسته‌ى به نظام و قانون اساسى باشند؛ بخواهند قانون اساسى را اجرا كنند؛ چون رئيس جمهور سوگند ميخورد كه قانون اساسى را اجرا كند؛ قسم دروغ كه نميشود خورد. كسانى كه اين را احساس ميكنند، در آن ميدان مى‌آيند؛ كسانى هم كه نه، قصد ندارند در اين صحنه حاضر شوند، در صحنه‌ى انتخاب كردن و كمك به پرشور شدن انتخابات شركت خواهند كرد.[[9]](#footnote-9)

#

# آنچه که برای رییس جمهور آینده نیاز داریم...

این را همه بدانند كه آنچه ما برای رئیس‌جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی كه امروز وجود دارد، منهای ضعفهائی كه وجود دارد. این را همه توجه كنند؛ رئیس‌جمهورِ هر دوره‌ای باید امتیازات كسبی و ممكن‌‌الحصول رئیس‌جمهور قبلی را داشته باشد، ضعفهای او را نداشته باشد. هر كسی بالاخره نقاط قوّتی دارد و نقاط ضعفی دارد. رؤسای جمهور ــ چه رئیس‌جمهور امروز، چه رئیس‌جمهور فردا ــ نقاط قوّتی دارند و نقاط ضعفی هم دارند. همه‌ی ما همین جوریم؛ نقاط قوّتی داریم، نقاط ضعفی داریم. **آن چیزهائی كه امروز برای دولت و برای رئیس‌جمهور نقاط قوّت محسوب میشود، اینها باید در رئیس‌جمهور بعدی وجود داشته‌ باشد، اینها را باید در خود تأمین كند؛ آن چیزهائی كه امروز نقاط ضعف شناخته میشود ــ كه ممكن است شما بگوئید، من بگویم، دیگری بگوید ــ این نقاط ضعف را باید از خود دور كند.** یعنی ما در سلسله‌‌ی دولتهائی كه پشت سر هم می‌آیند، بايد رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تكامل باشیم، تدریجاً بهترینهای خودمان را بفرستیم؛ هر كسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزشها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد.[[10]](#footnote-10)

## \*آنچه که در ادامه می آید، تلخیصی از جزوه [«نقاط ضعف و قوت دولت نهم و دهم از نگاه رهبری»](http://www.teribon.ir/archives/201337/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%B1%D9%87%D8%A8%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%DB%8C%E2%80%8C%D9%86%DA%98%D8%A7%D8%AF-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D8%A7%D8%B3.html) است که به همت «کمیته امام و رهبری بسیج دانشگاه امام صادق (علیه السلام)» تدوین شده است.

## الف) ويژگي هاي شخصيتي رئيس جمهور

ملت ما با اكثريتي قاطع،

* **شخصيتي انقلابي و دانشمند و مديري شايسته و كارآزموده و داراي سوابق مجاهدت صادقانه در صحنه‌هاي گوناگون** را، به رياست جمهوري برگزيده است.
* **سخن صريح و قاطع و صادقانه‌ي ايشان در تعهد به خدمتگزاري و رفع محروميت و مبارزه با فساد**،
* و **لحن افتخارآميز ايشان در پايبندي به اسلام و آرمان‌هاي انقلاب، كه با منش مردمي و ساده‌زيستي همراه بود**، دلها و آراء مردم را متوجه ايشان كرد و مسووليت مهم رياست جمهوري را بر دوش ايشان نهاد.[[11]](#footnote-11)

##

## ب) ويژگي هاي دولت نهم و دهم

### 1- ويژگي هاي اصلي و انقلابي دولت

#### پايبندي به ارزش هاي انقلاب

يك بخش ديگر از اين نقاط قوّتي كه به نظر من روي آن بايد تكيه كرد، مسئله‌‌ي برجسته شدن [ارزش­هاي انقلاب](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2245) است. در اين سالهائي كه دولت نهم و دولت دهم بر سر كار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزش­هاي‌‌انقلاب و چيزهائي كه امام به آن توصيه مي­كردند و ما آنها را از انقلاب آموختيم، خوشبختانه كاملاً برجسته شده: مسئله‌‌ي ساده‌‌زيستي مسئولان، [استكبارستيزي](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1145)، افتخار به انقلابي­گري. يك دوره‌‌اي بر ما گذشت كه اسم انقلاب و انقلابي­گري و اينها به انزوا افتاده بود؛ سعي ميكردند به عنوان يك ارزش منفي يا ضد ارزش، از اين چيزها ياد كنند؛ مقاله مي­نوشتند، حرف مي­زدند، گفته مي­شد. امروز خوشبختانه اينجور نيست، درست بعكس است؛ گرايش عمومي مردم و مسئولان كشور به حركت انقلابي، جهتگيري انقلابي، ارزشهاي انقلابي و مباني انقلاب است. اين را توجه داشته باشيد كه يكي از عوامل گرايش مردم به دولت، همينهاست؛ يعني مردم به اين ارزشها اهميت ميدهند. مسئله‌‌ي دعوت به عدالت، مسئله‌‌ي ساده‌‌زيستي، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اينها خيلي چيزهاي مهمي است.[[12]](#footnote-12)

#### عدالت محوري

...من بايد از آقاي احمدي نژاد تشكر كنم كه ايشان كار جديدي كردند؛ عدالت محوري را به عنوان يك شعار گذاشتند وسط؛ اين كار خيلي بزرگي بود.[[13]](#footnote-13)

نكته‏ي بعدي اين است كه اين دولت به عنوان يك دولت «اصولگرا» شناخته شده و رفتار و تلاشي هم كه تا امروز نشان داده و آنچه در عمل و قولش منعكس شده، همين اصولگرايي را نشان ميدهد؛ كه ان‏شاءالله خودِ همين براي كشور و شما بركاتي خواهد داشت. شاخصه‏هاي اصولگرايي، شاخصه‏هاي مهمي است؛ اين شاخصه‏ها بايد مورد توجه قرار بگيرد، كه من به بعضي از اينها اشاره ميكنم. شاخصه‏ي اول «عدالتخواهي و عدالت‏گستري» است..[[14]](#footnote-14)

دوم، همين پايبندي به عدالت است كه عرض كرديم. ممكن است شماها نتوانسته باشيد - يا تا آخر هم نتوانيد - همه‏ي آنچه را كه در مورد عدالت ميبايد انجام داد، انجام بدهيد؛ لكن نفس رويكرد شما به عدالت، چيز بسيار باارزشي است و هر مقداري كه ميتوانيد بايستي حركت كنيد كه:

به راه باديه رفتن به از نشستن باطل‏ كه گر مراد نجويم به‏قدر وسع بكوشم‏

بهتر از اين است كه انسان اصلاً دم از عدالت نزند، عدالت را فراموش كند، عدالت را در لابه‏لاي مفاهيم ديگري مخفي و گم كند و از ذهن و چشم انسان دور بشود. اينها جايز نيست. وقتي عدالت رو آمد و به عنوان يك معيار و شاخص اصلي مورد توجه قرار گرفت، به‏طور قهري در برنامه‏ها هم خواهد آمد. پايبندي به عدالت هم، شاخصه‏ي بعدي است.[[15]](#footnote-15)

#### فساد ستيزي

«فسادستيزي» شاخصه‏ي ديگري است. «سلامت اعتقادي و اخلاقي مسئولان كشور» - بخصوص مسئولان عالي­رتبه، در سطوح دولت و معاونين و از اين قبيل - بسيار مهم است و شاخصه‏ي ديگري است كه از لحاظ اعتقادي و اخلاقي اشخاص سالمي باشند.[[16]](#footnote-16)

جرأت در مقابله‏ي با فساد. مقابله‏ي با فساد خيلي كار سختي است. يك وقتي بنده گفتم كه اين اژدهاي هفت سرِ فساد را به اين آساني نميشود قلع و قمع كرد؛ خيلي كار سختي است. نه اينكه حالا بگويم قلع و قمع شده؛ نخير، الان هم قلع و قمع نشده؛ ليكن جرأت مقابله‏ي با آن هست. خب، وقتي كه اجزاء مجموعه، خودشان آلوده‏ي به فساد نباشند، طبعاً جرأتشان بيشتر است. بسياري از مجموعه‏هاي قبلي هم حقيقتاً پاكيزه بودند - يعني آلودگي نداشتند - اما بالاخره جرأت در مقابله‏ي با فساد يك امتيازي است كه در شما هست.[[17]](#footnote-17)

###

### 2- دولت و منشور کارآمدي

#### پيشرفت هاي عمراني کشور

در طول اين چند سال در كشور كارهاي وسيع عمراني انجام گرفته؛ بخصوص در مناطق دوردست، در بخشهاي مختلف؛ اينها واقعاً كارهاي مهمي است؛ اين يك رويكرد بسيار مهمي در حركت دولت است. [[18]](#footnote-18)

#### اعتزاز به اسلام

«اعتزاز به اسلام» يكي ديگر از شاخصه‏هاي اصولگرايي است. ما در دورانِ اين بيست‏وهفت سال، بعضي از مسئولان نظام اسلامي را ديده بوديم كه خجالت ميكشيدند يك حكم اسلامي يا يك جهتگيري اسلامي را صريحاً بر زبان بياورند؛ نه، ما طلبگاريم. من بارها گفته‏ام، در قضيه‏ي «زن»، ما پاسخگوي غرب نيستيم، غرب بايد پاسخگوي ما باشد؛ ما هستيم كه سؤال مطرح ميكنيم. در زمينه‏ي حقوق‏بشر، ماييم كه طلبگار مدعيان منافق و دو روي حقوق‏بشر هستيم. بنابراين به اسلام اعتزاز داشته باشيد. آنچه را كه اسلام به ما آموخته، اگر ما درست ياد گرفته باشيم و دچار كج‏فكري و انحراف و غلطفهمي نشده باشيم، چيزي است كه بايد به آن افتخار كنيم.[[19]](#footnote-19)

#### اجتناب از اسراف

«اجتناب از اسراف و ريخت ‏و پاش» كه جزو برنامه‏هاي بسيار خوب شماهاست.[[20]](#footnote-20)

#### خرد ورزي در تصميم گيري[[21]](#footnote-21)

#### مسئوليت پذيري و پاسخگويي[[22]](#footnote-22)

#### اهتمام به علم و پيشرفت علمي

از جمله‏ي شاخصه‏هاي مهم اصولگرايي، يكي «اهتمام به علم و پيشرفت علمي» است.[[23]](#footnote-23)

#### سعه صدر و تحمل مخالف

«سعه‏ي صدر و تحمل مخالف»؛ كه از جمله‏ي شاخصه‏هايي است كه جزوِ پايه‏هاي اصولگرايي است.[[24]](#footnote-24)

#### اجتناب از هواي نفس

«اجتناب از هواهاي نفس»؛ چه هواي نفس شخصي، چه هواي نفس گروهي؛ كه حالا آقاي رئيس‏جمهور گفتند و اين نكته‏ي خوبي است. بحمدالله عناصر دولت به هيچ گروه و دسته و باند و جرياني وابسته نيستند؛ اين خيلي نكته‏ي مهمي است. مراقب باشيد حركت، اظهارنظر و حرف، انتساب به يك جريان، به يك باند و به يك گروه را پيش نياورد، كه اگر اين‏طور شود، هواي نفس تقريباً انفكاك‏ناپذير است. هواي نفس گروهي هم مثل هواي نفس شخصي است؛ آن هم همين‏طور است. هواي نفس گروهي هم انسان را بيحساب و كتاب به اين طرف و آن طرف ميكشاند و از خرد و جاده‏ي مستقيم منحرف ميكند. اين هم جزو لوازم اصولگرايي است.[[25]](#footnote-25)

#### استفاده از حداکثر فرصت

در گزارش دولت - كه به مناسبت اين روزها به من داده شده - خوانده‏ام كه دولت حتّي يك روز را هم بيهوده از دست نداده؛ همين‏طور درست است. من ميخواهم تكيه كنم كه حتّي يك روز را هم نگذاريد هدر برود. [[26]](#footnote-26)

#### پايبندي به خدمت [[27]](#footnote-27)

#### پرکاري دولت

پركاري اين دولت هم انصافاً چيز برجسته‏اي است؛ حتي بعضيهايي كه مخالف هم هستند، اين را نميتوانند انكار كنند؛ يعني بي انصافيها هرچه هم زياد باشد، نميتواند بر اين حقيقت غلبه پيدا كند كه دولت شما انصافاً دولت پركاري است و تلاشتان و كارتان و تحركتان خيلي زياد است. اين بسيار جاي خرسندي دارد.[[28]](#footnote-28)

يك خصوصيت اين است كه اين دولت، واقعاً يك دولت كار است[[29]](#footnote-29)

#### شجاعت و قاطعيت دولت

خصوصيت ديگر، شجاعت اين دولت و قاطعيت اوست. اين كار بزرگي كه شما براي سهميه‏بندي بنزين انجام داديد كه يك قدم اولي است تا يارانه‏ها هدفدار و هدفمند شده و به آن سرمنزل خود هدايت و مصرف بشوند.[[30]](#footnote-30)

#### تحول و نوآوري دولت

از جمله‏ي خصوصيات ديگري كه من يادداشت كرده‏ام در اين‏جا بگويم، مسئله‏ي روحيه‏ي تحول‏گرايي و نوآوري و اصلاح است. همين‏طور كه الان آقاي رئيس‏جمهور گزارش دادند، تغييراتي كه در ساخت عمومي تشكيلات دستگاه و دولت داده ميشود، خيلي كارهاي اساسي اي است. اصلاح هم واقعاً همينهاست كه انسان بيايد و در جهت صلاح، بخشهاي مختلف را نگاه كند و ساختها را به‏طور اساسي تغيير بدهد و دگرگون كند.[[31]](#footnote-31)

يا جرأت در ايجاد تحول؛ حالت روحي اين دولت اين است كه براي تحول‏آفريني جرأت دارد و اقدام ميكند.[[32]](#footnote-32)

#### توقف روند غرب گرايي در دولت

روند غرب‏باوري و غرب‏زدگي را كه متأسفانه داشت در بدنه‏ي مجموعه‏هاي دولتي نفوذ ميكرد، متوقف كرديد؛ اين چيز مهمي است. حالا يك عده‏اي در جامعه، ممكن است به هر دليلي شيفته‏ي يك تمدني يا يك كشوري باشند؛ اما اين وقتي به بدنه‏ي مديران انقلاب و مجموعه‏هاي انقلاب نفوذ ميكند، چيز خيلي خطرناكي ميشود. اين ديده ميشد؛ خب، جلويش گرفته شد.[[33]](#footnote-33)

#### جلوگيري از گرايش هاي سکولاريستي

گرايش‏هاي سكولاريستي - كه متأسفانه باز داشت در بدنه‏ي مجموعه‏ي مديران كشور نفوذ ميكرد - جلويش گرفته شد. نظام انقلابي، بر مبناي دين و بر مبناي اسلام و بر مبناي قرآن شكل گرفته و به همين دليل از حمايت ميليوني اين ملت برخوردار شده و جانهايشان را كف دستشان گرفته‏اند و جوانهايشان را به ميدانهاي خطر فرستاده‏اند؛ آن وقت مسئولان يك چنين نظامي دم از مفاهيم سكولاريستي بزنند؟! «يكي بر سر شاخ و بن ميبريد»؛ يعني خودشان بنشينند و بنا كنند بنِ اين‏مبنا و قاعده را كلنگ زدن! خيلي چيز خطرناكي بود. خب، الحمدللَّه اينها جلويش گرفته شد.[[34]](#footnote-34)

###

### 3- سياست هاي خارجي دولت

#### روحيه تهاجمي در مقابل زورگويان بين المللي

روحيه‏ي تهاجم در مقابله‏ي با زورگويان بين‏المللي. يك وقت هست كه زورگويان بين‏المللي ميآيند و ميگويند كه آقا شما فلان كار را كرده‏ايد و ما رفع و رجوع ميكنيم و نه واللَّه، نه باللَّه...؛ ولي يك وقت هست كه تهاجمش، تهاجم زورگويانه است؛ بهترين دفاع در چنين مواقعي هجوم است. زورگويان بين‏المللي، نقاط ضعف زيادي دارند: جنايت ميكنند، فساد ميكنند، به حقوق بشر تجاوز ميكنند، به حقوق ملتها تعدي ميكنند، انسانها را لگدمال ميكنند و همه‏ي كارهاي زشت را انجام ميدهند؛ آخر هم طلبگار همه‏اند! خب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمي و با حالت طلبگاري، گفته و بيان بشود. اينجور نيست كه ما براي تهاجمات سياسي بين‏المللي، بخواهيم پاسخ پيدا كنيم. يك وقتي از بنده - سالهاي اوايل - ميپرسيدند كه آقا، شما در مقابل اين حرف چه جوابي داريد؟ ميگفتم ما جواب نداريم؛ ما ادعا داريم و مدعي اينها هستيم؛ در قضيه‏ي زن مدعي هستيم؛ در قضيه‏ي حقوق بشر مدعي هستيم؛ در قضاياي حقوق اساسي انسانها مدعي هستيم. ما مدعي اينها هستيم؛ ما در مقام پاسخگويي نيستيم. چرا بايد سوال بكنند تا كسي مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آنها بيجا ميكنند سؤال و ادعا ميكنند. اين روحيه، روحيه‏ي خوبي است؛ روحيه‏ي انقلاب اين است؛ اين است كه حقيقت را روشن و درخشان ميكند.[[35]](#footnote-35)

#### عدم انفعال در برابر استکبار

اين ايستادگي در مقابل زياده‏خواهي استكبار و احساس عزتي كه در اين ميدان ميشود، به‏نظر من يكي از خصوصيات اين دولت است. اينها خصوصياتي است كه بحمدالله هست. [[36]](#footnote-36)

#### اعاده عزت ملي

مسئله‏ي اعاده‏ي عزت ملي و ترك انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زياده‏طلبي سياستهاي ديگران و ترك شرمندگي در مقابل غرب و غربزدگي را هم انسان در اين دولت احساس ميكند؛ عزت ملي و استقلال حقيقي و معنوي از اينجا حاصل ميشود.[[37]](#footnote-37)

###

### 4- ويژگي هاي مردمي بودن دولت

#### ساده زيستي

«ساده‏زيستي و مردم‏گرايي» شاخصه‏ي ديگري است كه بحمدالله داريد.[[38]](#footnote-38)

ساده‏زيستي - بخصوص در خود آقاي رئيس‏جمهور - خوب و برجسته است و چيز باارزشي است؛ در مسئولين هم - كما بيش؛ يك جايي كمتر، يك جايي بيشتر - بحمدالله هست. ساده‏زيستي چيز بسيار باارزشي است..[[39]](#footnote-39)

#### تواضع

«تواضع و نغلتيدن در گرداب غرور» هم يكي از شاخصه‏هايي است كه لازمه‏ي اصولگرايي است؛ ما در معرض اين هستيم. ببينيد عزيزان! شماها در موضع بالايي قرار داريد و مورد احتراميد؛ افراد پيش شماها ميآيند و تعريف و تمجيد ميكنند - بعضي از روي اعتقاد، بعضي بدون اعتقاد - براي اينكه شما خوشتان بيايد. ما خودمان بايد مواظب باشيم حرفهايي كه در تمجيد و ستايش ما ميزنند، اينها را باور نكنيم. ما بايد به درون خودمان نگاه كنيم: «الانسان علي نفسه بصيرة»؛ نقصها، مشكلات و كمبودهايمان را نگاه كنيم و فريب نخوريم. اين فريب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور مياندازد. اگر انسان خودش را بد برآورد كرد، آن وقت ديگر نجات پيدا نميكند.[[40]](#footnote-40)

#### انتشار و انعکاس گزارش ها

يك نكته‏ي ديگر هم كارهاي خوبي است كه در زمينه‏ي اقتصاد انجام گرفته - مثل اين سهام عدالت، ادامه‏ي طرحهاي نيمه تمام، نوع عدالت در ارائه‏ي تسهيلات بانكي، صندوق مهر رضا و امثال اينها - محتوا و فوايد اين كارها را با شكل صحيح براي مردم بيان كنيد تا معلوم شود اين كارها انجام گرفته است. البته ما بارها گفته‏ايم آمدن و نشستن و پشت ميكروفون يا جلوي دوربين حرف زدن، اين كافي نيست؛ يك مقداري برنامه‏سازي و ارائه‏ي مطلب، به شكل هنرمندانه لازم است.[[41]](#footnote-41)

#### سفرهاي استاني(ارتباط با مردم)

در رساندن خدمت به افراد محروم جامعه و عدالت، به اعتقاد اين مسئله‏ي سفرهاي استاني خيلي مهم است. اين كاري كه آقايان بر دوش گرفتيد و راه افتاديد و رفتيد و همه‏جاي كشور را زير پا گذاشتيد و با مردم تماس گرفتيد و از نزديك درد دلهاي مردم را - كه از زبان مسؤولينشان، ائمه‏ي جمعه‏شان و افراد شاخصشان گفته ميشود - شنيديد، خيلي به‏نظر من خوب است. بنده خودم سالهاست در مسائل اجرائي و غير اجرائي اين كشور هستم؛ اما وقتي به يك منطقه‏اي مسافرت ميكنم و برميگردم، معلومات من نسبت به آن منطقه چند برابر معلوماتي ميشود كه انسان از روي كاغذ و در گزارشها و به‏طور كلي ميبيند. رفتن به سفر و مواجه شدن با واقعيتهاي زندگي مردم، خيلي چيز مهمي است. چطور ممكن است كسي اين را انكار كند يا درباره‏اش ترديد كند يا در فائده و سود او تشكيك كند؟ اين خيلي كار مهمي است. اين كار را شماها داريد انجام ميدهيد. البته زحمت هم دارد؛ زحمتش را هم قبول ميكنيد.[[42]](#footnote-42)

#### خاکي و مردمي بودن دولت

...اين را قدر بدانيد. شما امتيازتان به تشخص ظاهري و شكل و قيافه نيست؛ امتيازتان به همين است كه خودتان را با مردم هم‏سطح كنيد، به شكل مردم و در ميان مردم باشيد، با مردم تماس بگيريد، با آنها انس پيدا كنيد، از آنها بشنويد. اين امتياز بزرگي است و در شما هست؛ آن را حفظ كنيد و نگه داريد.[[43]](#footnote-43)

#### اعتماد مردم به دولت

مردم به دولت اعتماد دارند؛ دولت، خود را جزوِ مردم و از جنس مردم ميداند و ميشمارد؛ از لحاظ انعكاس بين‏المللي، كشور از يك عزت كم‏سابقه يا بيسابقه‏اي برخوردار است؛ ابهت نظام اسلامي، عظمت ملت ايران، رسايي و شفافيت اغراض و اهداف جمهوري اسلامي در دنياي اسلام، بيش از هميشه است؛ و حّتي در دنياي غير مسلمان، امروز عزت و ابهت ملت ما بسيار برجسته است و اين را همه تصديق ميكنند و از نشانه‏ها و عكس‏العملهاي خارجياش هم اين را ميفهميم. به هر حال، فرصت بسيار مهمي است.[[44]](#footnote-44)

#### اميد دادن به مردم

شما هم دولتي هستيد كه اين دو خصوصيت را جزو شعارها و برنامه‏هاي عملكرد خودتان قرار داده‏ايد؛ هم به مردم اميد ميدهيد، هم وعده‏ي عدالت ميدهيد. همان اميد هم به خاطر اين است كه شما پرچم عدالت را بلند كرده‏ايد و دم از عدالت ميزنيد. حقيقتاً هم خلأ امروز دنيا، بيش از همه چيز خلأ عدالت است. در كشور و جامعه‏ي خود ما هم بيشترين چيزي كه اين جامعه تشنه‏ي اوست، عبارت است از عدالت.[[45]](#footnote-45)

##

## ج) انتظارات و توصيه ها به دولت

### 1-دولت و توجه به سياست هاي اصلي نظام

#### توجه به سند چشم انداز

نكته‏ي بعدي توجه دائم به سند چشم‏انداز است. اين سند چشم‏انداز، مسئله‏ي مهمي است. نبايد هم تصور شود كه اين سند يا سياستهاي كلي را كساني نشسته‏اند و دارند تنظيم ميكنند؛ نه. درست است كه اينها يك فرايندي دارد و از يك جاهايي شروع ميشود؛ ليكن آن كسي كه در اين زمينه كار و فكر ميكند و تصميم ميگيرد، خودِ رهبري است؛ اين سياستها، سياستهاي رهبري است. اينها چيزهايي است كه با توجه به همه‏ي جوانب ملاحظه شده و اين سند چشم‏انداز درآمده است و بر اساس سياستهاي كلياي كه در اين مدت وجود داشته، اعلام شده است. اينها بايد در برنامه‏ها رعايت شود و نبايد تخلف شود[[46]](#footnote-46)

سفارش اول ما مسأله‏ي «سند چشم‏انداز» است. در گزارش آقاي رئيس‏جمهور يك جمله‏ي كوتاهي گفته شد و اسم سند چشم‏انداز آمد؛ لكن اين كافي نيست. سند چشم‏انداز، يك مسأله‏ي فرادولتي است؛....[[47]](#footnote-47)

توصيه‌‌‌‌‌‌ي سوم؛ جهتگيري‌‌‌‌‌‌هاي برنامه‌‌‌‌‌‌اي و كاري دولت را با شاخص سند چشم‌‌‌‌‌‌انداز بسنجيد. اين سند چشم‌‌‌‌‌‌انداز چيز مهمي است؛ اين را دست‌‌‌‌‌‌كم نبايد گرفت. شايد بتوان گفت كه بعد از قانون اساسي، ما هيچ سندي را در كشور به اين اهميت نداريم. يك نگاه كلان و بلندمدت است.[[48]](#footnote-48)

#### برنامه ريزي با توجه به سند چشم انداز[[49]](#footnote-49)

#### توجه به سياست هاي اصل 44

...يعني حقيقتاً اين خط غلطي كه در سالهايي از اوائل انقلاب به ناحق در امر اقتصاد كشيده شده و همينطور هم ادامه پيدا كرده، اين خط را كور كنيد و به خط درست برويد! اين با مسئله‏ي عدالت‏خواهي و آن چيزي كه ما در سياستهاي اصل 44 ذكر كرديم، هيچ منافاتي هم ندارد؛ يعني مسئله‏ي عدالت‏خواهي را حتماً در نظر بگيريد؛ منتها اقتصاد كشور بايد شكوفا بشود؛ نيروهاي مردمي بايد به ميدان اقتصاد بيايند و كار كنند؛ اين هم با حرف و گفتن عملي نميشود، عمل و اقدام لازم دارد و بايد حس بشود.[[50]](#footnote-50)

يك نكته‏ي ديگر مسئله‏ي سياستهاي اصل 44 است. خب، همه اعتراف دارند كه سياستهاي اصل 44 اگر اجرائي بشود، يك تحول در پيشرفت كشور - در زمينه‏هاي اقتصادي و به تبع او در زمينه‏هاي ديگر - بوجود ميآيد. اين هم مسئله‏ي بسيار مهمي است.

#### توجه به دهه پيشرفت و عدالت

...همين گزارشهائي كه دادند، گزارشهاي خوبي است؛ نشان‌دهنده‌ي پيشرفتهائي در بخشهاي مختلف است؛ ليكن عدالت چه جوري تأمين ميشود؟ يعني واقعاً يك مقياسي لازم است، يك معياري لازم است براي اينكه ببينيم عدالت در بخشهاي مختلف - بخشهاي فرهنگي، بخشهاي آموزشي، بخشهاي اقتصادي - مراعات شده يا نه؟ فرض كنيد در بخش آموزش و پرورش يا در بخش آموزش عالي، معيار عدالت چيست؟ چگونه عدالت تأمين ميشود؟ اين بايد مشخص شود تا بتوانيم آن معيار را در برنامه‌ريزي‌ها داخل كنيم و در مقام عمل و در مقام اجراء، به آن عدالت مورد نظر برسيم[[51]](#footnote-51)

#### توجه به برنامه پنج ساله[[52]](#footnote-52)

#### تعامل با قواي ديگر

تعامل با دو قوه‏ي ديگر هم يكي از اين توصيه‏هاست. تعامل با مجلس و تعامل با قوه‏ي قضائيه، كار لازمي است؛ اين را مطلقاً نبايد نديده گرفت. البته ممكن است در اين راه تلخيها و مشكلاتي وجود داشته باشد؛ ولي بايد تحمل كرد؛ بهتر است[[53]](#footnote-53)

.... هرچه ميتوانيد، در آن جاهائي كه ميشود كوتاه آمد، كوتاه بيائيد؛ چه اشكالي دارد؟ آنجائي كه ميشود تبيين كرد، تبيين كنيد. آنجائي كه ميشود با ايجاد ارتباطات دوستانه، مسئله را حل كرد، اينجوري حل كنيد. چرا من اينقدر بر تشكيل جلسه‌ي رؤساي قوا اصرار ميكنم؟ وقتي كه جلسه‌ي رؤساي قوا تشكيل بشود، خيلي از اين مشكلات حل ميشود. در جلساتِ روبه‌رو، با همديگر مي‌نشينند حرف ميزنند[[54]](#footnote-54)

مسئله‌‌ي وحدت و انسجام ملي هم به نظر من چيز خيلي مهمي است؛ كه ما حالا اينقدر اين قضيه را تكرار كرديم كه كأنه الفاظ دارد خاصيتهاي خودش را در افاده‌‌ي معنا از دست ميدهد! ما بايد همه يك حرف بزنيم. مسئولين بايد جهتگيري‌‌ها را دقيق و منطبق بر يكديگر قرار بدهند؛ اين به عهده‌‌ي همه است. تقصيرها را هم گردن يكديگر نيندازيم. اينكه بگوئيم آقا ما ميخواهيم فلان كار را بكنيم، نميگذارند؛ يا فلان كار را كرديم، جلويش را گرفتند؛ يا فلان تصميم را گرفتيم، اقدام نكردند، انجام ندادند - كه قواي مختلف و بخشهاي مختلف به همديگر بگويند - اين را كسي قبول نميكند. بالاخره حوزه‌‌هاي مسئوليت، مشخص است؛ يكي بايد قانون بگذارد، يكي بايد اجرا كند، يكي سياستها را تنظيم كند، يكي عملياتي كند. همه بايد با هم هماهنگ عمل كنند. ما نبايد تعامل قوا با يكديگر را دست‌‌كم بگيريم[[55]](#footnote-55)

#### تدوين الگوي اسلامي ايراني پيشرفت[[56]](#footnote-56)

#### رعايت قانون

يكي مسأله‏ي رعايت قوانين است. قانون را اهميت بدهيد. قانون - وقتي كه با ساز و كار قانون اساسي پيش رفت - حتميت و جزميت پيدا ميكند. ممكن است همان مجلس يا دولت يا ديگران مقدماتي فراهم كنند كه آن قانون عوض بشود - با طرحهايي كه در مجلس ميآيد، با لوايحي كه دولت ميدهد، با تصميم‏سازيهايي كه در بخشهاي مختلف انجام ميگيرد - عيبي ندارد؛ اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامي كه قانون، قانون است، حتماً بايستي به آن عمل بشود و به آن اهميت داده بشود. من اين را تأكيد ميكنم. در بخشهاي مختلف همين‏جور است. ممكن است يك چيزي را شما معتقد باشيد كه روال قانونياش درست طي نشده، يا متصدي اين كار قوه‏ي مجريه نيست؛ وقتي كه قانون مجلس - با همان ساز و كار قانون اساسي - به دولت ابلاغ شد، قوه‏ي مجريه بايد آن را قانون بداند. حالا اگر چنانچه ضعف يا چيز ديگري وجود دارد، عواملِ ديگري وجود دارد كه اگر قانون مشكلاتي دارد، بايستي آن را از بين ببرند؛ چه در خود مجلس، چه در شوراي نگهبان و از اين قبيل. به قانون اهميت بدهيد.[[57]](#footnote-57)

#### تاکيد بر عزت ملي[[58]](#footnote-58)

###

### 2- دولت و مسايل فرهنگي

#### توجه به مقوله فرهنگ

آنچه كه من لازم ميدانم به دوستان دولت توصيه كنم، اين است كه مسئله‌ي فرهنگ را خيلي جدي بگيريد. اگر چنانچه ما كارهاي اقتصادي را - همچنان كه در برنامه هست و آرزوهاي ما متوجه به آن است - انجام بدهيم، اما در زمينه‌ي كار فرهنگي عقب بمانيم، بدانيد كشور لطمه خواهد ديد. دشمنان ما يكي از چشمه‌هاي دشمني‌شان كار اقتصادي است؛ يك چشمه‌ي مهم ديگر، كار فرهنگي است. البته نه وقت و نه ظرفيت جلسه اجازه نميدهد كه انسان در اين زمينه وارد بشود؛ ليكن في‌الجمله دوستان توجه داشته باشند كه كار فرهنگ، كار بسيار مهمي است؛ با ملاحظه‌ي جهتگيري‌هاي انقلابي و اسلامي. در زمينه‌ي فرهنگ، دچار رودربايستي نشويد. در همه‌ي شعبه‌هاي فرهنگي - چه در موضوع كتاب، چه در كارهاي هنري، چه در مؤسسات فرهنگي - جهتگيري‌ها را انقلابي و اسلامي قرار بدهيد. اولويتها را در اينجا هم ملاحظه كنيد، چون منابع بالاخره محدود است..[[59]](#footnote-59)

...به كارهاي سطحي نبايد اكتفاء كرد. به كارهاي عميق‌‌تر، كارهاي بنياني‌‌تر، كارهائي كه از يكي‌‌شان دهها كار صادر ميشود و نشئت ميگيرد، توجه كنيد. من يك وقتي نسخه‌‌اي از آن كارهاي عميقِ لازم را به آقاي رئيس‌‌جمهور دادم؛ همانها بايد دنبال شود و بايد دنبال ميشد. در باب فرهنگ بايد بشدت مراقبت شود كه ما به [«فرهنگ مهاجم»](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1010) كمك نكنيم. فرهنگ مهاجم خطرناك است. اگر ما فرهنگ عمومي كشور و فرهنگي كه نخبگان و مردم و قشرهاي گوناگون را به سمت يك هدفي هدايت ميكند، نتوانيم از آسيب دشمن محفوظ بداريم، كار خيلي مشكل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصميم بگيريد، اينها مي‌‌آيند خرابش ميكنند و جور ديگري منعكس خواهد شد.[[60]](#footnote-60)

###

### 3-دولت و مسايل مديريتي

#### اولويت بندي کردن کارها[[61]](#footnote-61)

#### هم افزايي هيات وزيران

چند تا مسئله‌ي اساسي در اينجا هست. يكي اينكه هيئت وزيران بايستي به هم‌افزائي دستگاه‌ها كمك كند...؛.[[62]](#footnote-62)

#### تببين تمرکز زدايي مورد نظر دولت

يك مسئله هم تمركززدايي است كه جزوِ شعارهاي اين دولت است و شعار بسيار درستي هم هست؛ منتها مشخص كنيد اين تمركززدايي چطوري است؛ مدل مشخصي لازم دارد. بايد بالاخره به خصوصيات اقليمي و قومي استانهاي مختلف كشور توجه شود؛ طبق مسئله‏ي آمايش سرزمين، چه كارهايي را ميخواهيد به اين منطقه‏ي بخصوص محوّل كنيد؟ ممكن است بر اساس طرح آمايش سرزمين، اين كار اصلاً در اين منطقه مصلحت نباشد؛....[[63]](#footnote-63)

#### تصدي گري دولت در امور حاکميتي و عدم تصدي در امور غير حاکميتي

...بايد حتماً تا آنجايي كه ميتوانيد، در غير وظايف حكومتي و حاكميتي، از تصديگري دولت اجتناب كنيد؛ بگذاريد كار دست مردم باشد. حالا در اين مسئله‏ي اصل چهل‏وچهار - به اصطلاح اين مصوبه‏اي كه به عنوان تفسير و بيان اصل چهل‏وچهار ارائه شد - بند «ج» آن حالا محل بحث و كلام و ابلاغ است - ... جلوگيري از ورود دولت در سرمايه‏گذاريهاي جديد و تصديگريهاي جديد است؛ نه اينكه دست دولت را به كلي كوتاه كنيم؛ اما يك حدودي در آنها مشخص شده است. به اين توجه كنيد.[[64]](#footnote-64)

#### تشويق کارگزاران نمونه

از نظرات افراد دلسوز در اين داوري حتماً استفاده كنيد. آن كساني را كه دچار ضعف يا عملكرد نامطلوب هستند[[65]](#footnote-65)

#### تلاش وکار مداوم[[66]](#footnote-66)

#### تمرکز در تصميم گيري

يك حرفي اينجا گفته شد، قبلاً هم با من مطرح شده، كه تمركز در تصميم‌‌گيري‌‌هاي اقتصادي قوه‌‌ي مجريه لازم است. البته من اين را كاملاً قبول دارم؛ يعني بلاشك در تصميم‌‌گيري‌‌هاي كلان، در مسائل اساسي - كه فعلاً اساسي‌‌تر از همه، مسائل اقتصادي است؛ و بخصوص آنچه كه مربوط به معيشت مردم است و فشارهائي كه دشمن ميخواهد بر مردم وارد كند - بايد تمركز در تصميم‌‌گيري باشد؛ منتها توجه كنيد كه اين تمركز در تصميم‌‌گيري، معنايش تمركز تصميم‌‌گيري در دولت است؛ يعني همه‌‌ي افرادي كه در بخشهاي مختلف دولت با آقاي رئيس‌‌جمهور همكاري ميكنند، بايد مسئوليت مشترك احساس كنند - يعني هماهنگي كنند - در دولت، همه با هم تصميم بگيرند. در اين زمينه، مسئله‌‌ي مسئوليت مشترك را واقعاً بايد در دولت جدي گرفت. هر كاري كه يك وزارتخانه‌‌اي انجام ميدهد، همه‌‌ي وزرا و مسئوليني كه دور ميز هيئت دولت مي‌‌نشينند، بايد احساس كنند كه در اين تصميم‌‌گيري يا در اين اقدام، سهيم و شريكند. اگر اين شد، آن وقت كارها با هماهنگي پيش ميرود؛ نه اختلاف در عملكرد، نه اختلاف در فهم مسائل، نه اختلاف در آمارها، پيش نمي‌‌آيد[[67]](#footnote-67).

#### در آخر سال با روحيه اول سال کار کنيد

يكي اينكه در اين سال آخر با روحيه‏ي سال اول كار كنيد. البته احساس ميكنم همين جور است؛ اما در عين حال تأكيد ميكنم. فكر نكنيد كه امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل كسي كه پنج سال ديگر بناست كار بكند، كار بكنيد؛ يعني تصور كنيد كه اين يك سال به اضافه‏ي چهار سال ديگر در يد مديريت شماست. با اين ديد نگاه كنيد و كار كنيد و برنامه‏ريزي كنيد و اقدام كنيد. اين يك.[[68]](#footnote-68)

#### اولويت به کارهاي نيمه تمام دادن[[69]](#footnote-69)

#### دقت و تدبير در امور درعين سرعت داشتن[[70]](#footnote-70)

#### شايسته سالاري در امور

يك جمله‏ي ديگر از اين نامه‏ي مبارك اين است: «ثم انظر في امور عمّالك»؛ كارها و امور كارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب كارگزاران است؛ «فاستعملهم اختباراً»؛ با آزمايش آنها را انتخاب كن؛ يعني نگاه كن ببين چه كسي شايسته‏تر است. همين شايسته‏سالارييي كه امروز بر زبان ماها تكرار ميشود، به معناي واقعي كلمه بايد مورد توجه باشد. اميرالمؤمنين (عليه‏السّلام) هم در اين‏جا به آن سفارش ميكنند. «و لا تولهم محاباة و اثرة»؛ نه از روي دوستي و رفاقت كسي را انتخاب كن، كه ملاكها را در او رعايت نكني - فقط چون رفيق ماست، انتخابش ميكنيم - نه از روي استبداد و خودكامگي؛ انسان بگويد ميخواهم اين فرد باشد؛ بدون اين‏كه ملاك و معياري را رعايت كند يا با اهل فكر و نظر مشورت كند. [[71]](#footnote-71)

#### نظارت بر کارگزاران

نظارت بر زيرمجموعه هم خيلي مهم است. من اصرار و تأكيد دارم كه شما دوستان عزيز - كه مسئولان بالا و مديران ارشد هستيد - مسأله‏ي نظارت بر زيرمجموعه‏ي خودتان را بسيار اهميت بدهيد. چشمهاي بينا و بصير و باز شماست كه وقتي در دائره‏ي مسئوليتتان ميچرخد، ميتواند صحت كار و پيشرفت كار را تضمين كند.

...خود آقاي رئيس‏جمهور هم همين جور. البته نظارت رئيس‏جمهور نسبت به وزرا، با استقلال وزرا در كارشان نبايد تنافي پيدا كند. چون وزرا مسئوليت قانوني دارند و از مجلس رأي اعتماد گرفته‏اند و بايد استقلال داشته باشند. ليكن اين نظارت حتي در مورد وزرا هم وجود دارد. استقلال عمل آنها محفوظ، اما نظارت رئيس‏جمهور هم با شدت تمام بايستي انجام بگيرد. يكي هم اين است.[[72]](#footnote-72)

#### در انتصابات معيار خدايي در نظر داشته باشيم[[73]](#footnote-73)

#### شتابزدگي نداشتن

در طرحهاي اقتصادي مراقب باشيم - اين، دنباله‌‌‌‌‌‌ي همين مسئله‌‌‌‌‌‌ي حل مشكلات اقتصادي مردم است - كه شتاب‌‌‌‌‌‌زدگي گريبانگير دولت نشود. شتاب‌‌‌‌‌‌زدگي در تصميم‌‌‌‌‌‌گيري‌‌‌‌‌‌ها يا احياناً عدم بهره‌‌‌‌‌‌گيري مناسب از نظرات كارشناسي اقتصادي، ممكن است ضربه‌‌‌‌‌‌هائي وارد كند. البته ادعاي دولت اين نيست[[74]](#footnote-74)

#### سالم سازي دستگاه دولت

از جمله كارهايي كه طبق تجربه‏ي ما واقعاً سخت است، سالم‏سازي اين دستگاه عظيم اداري و ديواني و به اصطلاح بوروكراسي است كه در كشور وجود دارد. اگر بتوانيد اين مشكل را يك طوري حل و علاج كنيد، حقيقتاً كارِ كارستاني انجام داده‏ايد و خيلي باارزش است.[[75]](#footnote-75)

#### غفلت نکردن از برنامه ريزي بلند مدت داشتن[[76]](#footnote-76)

#### خود را پاسخگو دانستن

... يعني هم در برابر خطايي كه انجام ميگيرد، واقعاً پاسخگو باشند؛ هم در برابر كار لازمي كه بايد انجام ميگرفته و انجام نميگيرد، پاسخگو باشند. [[77]](#footnote-77)

#### بزرگنمايي نکردن کارها

«او التزيّد فيما كان من فعلك»؛ كارهايي را كه انجام داده‏ايد، بزرگنمايي نكنيد. گاهي انسان كاري را انجام ميدهد، بعد در ستايش آن كار خيلي مبالغه ميكند؛ چندين برابرِ آنچه حقيقت كار است.[[78]](#footnote-78)

#### کارجمعي و هماهنگ انجام دادن

توصيه‏ي ديگر، كار جمعي و متوازن است. از جمله چيزهايي كه ما هميشه در طول اين چند سال توصيه كرده‏ايم و صورت هم نگرفته است و تا همين آخر هم مسؤولان دولتي به ما شكايت كردند، عدم همكاري در بخش‏هاي مختلف و در جاهاي حساس است؛ مثلاً بخش‏هاي اقتصادي ما با وزارت خارجه‏ي ما. وزراي خارجه - چه زمان آقاي دكتر ولايتي، چه زمان آقاي دكتر خرازي - هميشه به من شكايت ميكردند كه ما با فلان كشور در زمينه‏ي سياسي مشكلي داريم، كه اين مشكل را ميتوان با يك كار اقتصادي و با محاسبه حل كرد؛ ولي دستمان خالي است.[[79]](#footnote-79)

###

### 4- دولت و مسايل اقتصادي

#### مهار تورم و گراني ها(تسهيل زندگي مردم)

يك مسئله هم كه باز يك مسئله‏ي موردي است كه ميخواهم عرض بكنم، مسئله‏ي اين گرانيهاست؛ اين را واقعاً فكري برايش بكنيد. گرانيها - بخصوص در مسئله‏ي مسكن و برخي از كالاها - واقعاً وجود دارد و به مردم فشار ميآورد. البته حل مسئله‏ي گراني، يك كار ريشه‏اي است. بديهي است كه مهار تورم، يك كار علمي، ريشه‏اي و بنياني است كه مقدمات و اصولي دارد و تا آن اصول انجام نگيرد، خواهد بود؛ منتها كارهاي ضربتي هم بايد انجام داد. بالاخره نميشود نشست تا اين كارهاي بنياني، يك روزي به نتيجه برسد؛ نه، واقعاً يك فكري بكنيد؛ كاري بكنيد. ...البته اين را هم بگوييم كه در گراني، هم عوامل واقعي و هم عوامل كاذب و رواني دخالت دارند؛ گاهي يك كلمه حرف و يك تصميم نادرست و نسنجيده، ناگهان اين موج گراني را تحريك ميكند و تورم را در بخشهاي مختلف بالا ميبرد و انتظاراتي را به وجود ميآورد كه اميدواريم ان‏شاءاللَّه اين را هم بتوانند آقايان دنبال كنند. [[80]](#footnote-80)

دولت بايستي جوري برنامه‌‌‌‌‌‌ريزي كند كه از ناحيه‌‌‌‌‌‌ي دولت، فشار تورمي روي مردم زياد نشود. حالا يك وقت از ناحيه‌‌‌‌‌‌ي بيرون است، يك وقت از ناحيه‌‌‌‌‌‌ي بعضي از قوانين است. حالا مسئله‌‌‌‌‌‌ي خدمات را مطرح كردند. خوب، خيلي از خدمات به وسيله‌‌‌‌‌‌ي دولت انجام ميگيرد؛ بسياري از اين خدماتي كه ميگوئيد سهمش در تورم از سي درصد رسيده به هفتاد درصد، اين خدمات را خود دولت دارد انجام ميدهد. بنابراين، سهم خودتان را در ايجاد فشار تورمي كم كنيد؛ هر چه كه ممكن است. اين جزو كارهاي اساسي و مهم است.[[81]](#footnote-81)

يكي از چيزهائي كه در جهتگيري‌هاي كلي دولت بايد مورد نظر باشد، تسهيل زندگي براي مردم است. زندگي كردن را براي مردم بايد آسان كرد. اين يك سرفصل مهم است كه اگر چنانچه انسان اين را باز كند، خواهيم ديد كه بسياري از خواسته‌هاي اقتصادي، بسياري از كاركردهاي مربوط به دولت، همين دولت الكترونيك، تا برسيم به مسئله‌ي فعال كردن روستاها، جلوگيري از مهاجرت، اينها همه‌اش تحت همين عنوان آسان كردن زندگي براي مردم است، كه مردم بتوانند راحت زندگي كنند، بتوانند با امنيت زندگي كنند. اين كار در بخشهاي مختلف تأثير ميگذارد.[[82]](#footnote-82)

مسائل گوناگوني مطرح ميشود. توصيه‌ي من اين است كه در زمينه‌ي علاقه‌ي به ايران، علاقه‌ي به كشور و گرايش به ايران، چند نكته را توجه داشته باشيد. يكي اينكه مهمترين بخش مربوط به كشور، زبان و ادبيات است. علاقه‌ي به ايران، اينجوري تحقق پيدا ميكند. ما در كشور زبانهاي مختلفي داريم؛ اما زبان ملي، فارسي است. آن كساني كه زبانهاي مختلف دارند، خودشان جزو مروّجين درجه‌ي يك زبان فارسي هستند. بهترين مقالات را در زمينه‌ي زبان فارسي، ترك‌زبانها نوشتند؛ اين را من از روي اطلاع دارم عرض ميكنم. ...(1) ان‌شاءاللَّه كردها هم مينويسند؛ حرفي نيست، ما استقبال ميكنيم. محققين برجسته‌ي ترك‌زبان كشور، در طول دهه‌هاي گذشته، بهترين و قوي‌ترين مقالات را در زمينه‌ي زبان فارسي نوشتند. بنابراين نبايد تصور شود كه زبان فارسي نماد مليت ايران نيست؛ چرا، هست. روي اين موضوع تكيه شود.

يا روي ايرانِ بعد از اسلام تكيه شود. افتخاراتي كه ايرانِ دوره‌ي اسلامي دارد، در هيچ دوره‌ي ديگري از دوره‌هاي تاريخي ما اين افتخارات وجود ندارد؛ من اين را با استدلال به شما عرض ميكنم و اين قابل اثبات است[[83]](#footnote-83)

#### مبارزه با فساد

الان خوشبختانه رويكرد دولت و آقاي رئيس‏جمهور طوري بوده كه كساني كه تمايل به فساد دارند، مرعوبند؛ اما اگر كار صحيح و واقعي انجام نگيرد، كم‏كم اين رعب شكسته ميشود و اين ابهت از بين ميرود؛ ميل به فساد در يك جاهايي وجود دارد. با فساد و تخلفات مالي بيمحابا برخورد كنيد. البته عرض كرديم بيمحابا و با شجاعت و قاطعيت برخورد كردن، معنايش بيدرايتي در نوع برخورد نيست! اينها را بايد با هم جمع كنيد. هر دو طرفِ اين كفه‏ي متوازن بايستي ديده بشود.[[84]](#footnote-84)

#### گسترش بخش خصوصي

در بعضي از موارد، من از خود مسئولين كشور ميشنوم كه بخش خصوصي به خاطر كم‌‌تواني‌‌اش جلو نمي‌‌آيد. خب، بايد فكري بكنيد براي اينكه به بخش خصوصي توانبخشي بشود؛ حالا از طريق بانكهاست، از طريق قوانين لازم و مقرراتِ لازم است؛ از هر طريقي كه لازم است، كاري كنيد كه بخش خصوصي، بخش مردمي، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتي معنايش اين است كه ما يك اقتصادي داشته باشيم كه هم روند رو به رشد اقتصادي در كشور محفوظ بماند، هم آسيب‌‌پذيري‌‌اش كاهش پيدا كند. يعني وضع اقتصادي كشور و نظام اقتصادي جوري باشد كه در مقابل ترفندهاي دشمنان كه هميشگي و به شكلهاي مختلف خواهد بود، كمتر آسيب ببيند و اختلال پيدا كند. يكي از شرائطش، استفاده از همه‌‌ي ظرفيتهاي دولتي و مردمي است؛ هم از فكرها و انديشه‌‌ها و راهكارهائي كه صاحبنظران ميدهند، استفاده كنيد، هم از سرمايه‌‌ها استفاده شود.[[85]](#footnote-85)

#### بي حساب و کتاب نبودن در مسايل اقتصادي

در مسائل اقتصادي از بي‌‌‌‌‌‌حساب و كتابي خيلي بايد ترسيد. البته بي‌‌‌‌‌‌حساب و كتابي در همه جا بد است، اما در مسائل اقتصادي آثارش خيلي زود بروز ميكند و گاهي اثرات سنگيني را ميگذارد....[[86]](#footnote-86)

#### مديريت منابع ارزي

...حالا اشاره شد به ارز پايه؛ در اين زمينه هم حرفهاي گوناگوني از دولت صادر شد. يعني در روزنامه‌‌ها از قول يك مسئول، يك جور گفته شد؛ فردا يا دو روز بعد، يك جور ديگر گفته شد. نگذاريد اين اتفاق بيفتد. واقعاً يك تصميم قاطع گرفته شود، روي آن تصميم پافشاري شود و مسئله را دنبال كنيد. به هر حال منابع ارزي بايد مديريت دقيق بشود.[[87]](#footnote-87)

#### مديريت مصرف

...خب، حالا چگونه بايد جلوي اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌‌سازي هم لازم است، اقدام عملي هم لازم است. فرهنگ‌‌سازي‌‌اش بيشتر به عهده‌‌ي رسانه‌‌هاست. واقعاً در اين زمينه، هم صدا و سيما در درجه‌‌ي اول و بيش از همه مسئوليت دارد، هم دستگاه‌‌هاي ديگر مسئوليت دارند. بايد فرهنگ‌‌سازي كنيد. ما يك ملت مسلمانِ علاقه‌‌مند به مفاهيم اسلامي هستيم، اينقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگي‌‌مان اهل اسرافيم! بخش عملياتي‌‌اش هم به نظر من از خود دولت بايد آغاز شود.... دولت خودش يك مصرف‌‌كننده‌‌ي بسيار بزرگي است. شما از بنزين بگيريد تا وسائل گوناگون، يك مصرف‌‌كننده‌‌ي بزرگ، دولت است. حقيقتاً در كار مصرف، صرفه‌‌جوئي كنيد..[[88]](#footnote-88)

#### اهميت به مصرف توليدات داخلي

به در دستگاه شما، در وزارتخانه‌‌ي شما، اگر كار جديدي انجام ميگيرد، اگر چيز جديدي خريده ميشود، اگر همين اقلام روزمره‌‌اي كه مورد نياز وزارتخانه است، تهيه ميشود، سعي كنيد همه‌‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر اين داشته باشيد؛ خود اين، يك قلم خيلي بزرگي ميشود. اصلاً ممنوع كنيد و بگوئيد هيچ كس حق ندارد در اين وزارتخانه جنس خارجي مصرف كند. به نظر من اينها ميتواند كمك كند.[[89]](#footnote-89)

#### توجه به شاخص هاي کلان اقتصادي

روي مسئله‌ي نرخ رشد واقعاً كار بشود. آن چيزي كه به عنوان نرخ رشد در برنامه يا در چشم‌انداز ديده شده، با آنچه كه در واقعيت اتفاق افتاده، خيلي فاصله دارد. البته از عوامل ركود اقتصادي جهاني و مشكلات اقتصادي جهاني غافل نيستيم - اينها مسلّماً تأثير دارد - ليكن بالاخره بايد تلاش كرد تا به آن چيزي كه به عنوان شاخص معين شده و ذكر شده، نزديك شويم. مسئله‌ي سرمايه‌گذاري‌هاي داخلي و خارجي هم همين طور.

مسئله‌ي اشتغال هم مسئله‌ي مهمي است. طرحهائي كه از چند سال پيش به اين طرف براي اشتغال پيش‌بيني شده، آنچنان كه انسان انتظار داشت، نشد. اگرچه حالا كارهائي انجام گرفت و خوب بود، بد نيست؛ ليكن ما را مستغني نميكند از اينكه نسبت به مسئله‌ي اشتغال يك اهتمام ويژه‌اي داشته باشيم. مسئله‌ي ارتقاي بهره‌وري هم همين طور.[[90]](#footnote-90)

#### حفظ سرمايه هاي ملي

از پانزده، شانزده سال قبل كه اين ساخت و سازهاي اطراف تهران، به صورت يك حركت سرطاني آغاز شد، ما همين‏طور مكرر شهردارها - همه‏ي شهردارهايي كه در اين مدت تا امروز آمده‏اند - را مورد خطاب قرار داديم و به آنها دائم مطالبي را گفتيم. بعد به اين نتيجه رسيديم كه فقط مسئله‏ي شهرداريها نيست. متصديان منابع طبيعي اينجا تخلفات بزرگي كرده‏اند؛ منابع طبيعي را با سفارش و رفاقت و با ملاحظه و براي جلب حمايت اين و آن، همين‏طور بيدريغ در اختيار اشخاص و گروهها و مسئولان و عمامه‏اي و غيرعمامه‏اي و نهادهاي انقلابي و ... قرار داده‏اند. يعني يك ملاحظه و مصلحت كوتاه‏مدت را در نظر گرفته‏اند و ديگر نگاه نكرده‏اند. آدم وقتي به طرف شمال تهران و ارتفاعات ميرود، واقعاً وحشت ميكند؛ يك بخشهايي هست كه بنده هر وقت ميروم، با اينكه محيط حركت و گردش و تحرك و ورزش است، با اعصاب ناراحت به خانه برميگردم. هر دفعه ميروم، ميبينم باز يك كارهاي جديدي انجام گرفته است. اين دولت به طور جدي مسئول است؛ هم وزارت مسكن، هم وزارت كشاورزي - كه منابع طبيعي را در اختيار دارد - هم بقيه‏ي دستگاهها و هم از جمله وزارت كشور و شهرداريها. نبايد بگذاريد اين اتفاق بيفتد؛ دارد همه جا اتفاق ميافتد. انسان در شهرهاي مختلف ميبيند؛ تهران كه جلوي چشم ماست و من به طور متوالي ميبينم؛ بعضي جاهاي ديگر هم كه رفته‏ايم، همين‏طور است. نگذاريد اين سرمايه‏هاي ملي را اين‏طوري ضايع كنند.[[91]](#footnote-91)

###

### 5-دولت و مسايل سياسي

#### برخورد درست با منتقدان

البته در كنار علاقه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌مندان به رئيس جمهور محترم - كه ايشان علاقه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌مندان زيادي در داخل كشور، حتّي در خارج از كشور دارند - دو دسته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ي ديگر هم هستند كه بايد به اينها توجه كرد؛ يعني حضور آنها را بايستي محاسبه كرد: يك دسته مخالفان عصباني و زخم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌خورده هستند. مطمئناً اينها در اين دوره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ي چهارساله، در مقام معارضه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ي با دولت برخواهند آمد. مخالفت كردند، باز هم مخالفت خواهند كرد. ليكن يك دسته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ي ديگر هم هستند كه اينها جزو نظامند، با رئيس جمهور، با نظام هيچ دشمني‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اي ندارند؛ ممكن است منتقد باشند. اين منتقدان را بايستي به حساب آورد؛ نظرات آنها را بايد شنيد؛ آنچه كه قابل فهم است، قابل قبول است، آن را پذيرفت. و من اميدوارم كه همين جور عمل بشود و ان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شاءاللَّه خواهد شد.[[92]](#footnote-92)

#### تحرک ديپلماسي و وصل کردن آن با ديگر عرصه ها مانند اقتصادي[[93]](#footnote-93)

#### رويکردها در سياست بين الملل[[94]](#footnote-94)

#### مبارزه با نظام سلطه[[95]](#footnote-95)

#### از سخن درشت خيرخواهان نرنجيم

نكته‏ي دوم اين‏كه ماها اگر بخواهيم در اين جايگاهي كه هستيم، از احتمال خطاي خودمان كم كنيم، بايد از سخن درشت خيرخواهان نرنجيم؛ يكي از راههاي سلامت اين است. البته بدخواهاني هم هستند كه سخن درشت و نرم و همه نوع سخني دارند و از شايعه‏پراكني و جنگ رواني و دروغ بستن به اين و آن واهمه‏يي ندارند و انسان ممكن است در دلش از آنها برنجد؛ اما كسي كه ميدانيد قصد عناد و دشمني ندارد، ولو با لحن درشتي هم حرف ميزند، از او نبايد واقعاً برنجيد. به سخن نرم و دلنشين چاپلوسان هم دل نسپريد. اگر ما اين را رعايت كنيم، به نظر من خيلي به سود ماست.[[96]](#footnote-96)

#### انتقاد پذيري

البته اين را هم بگويم: از انتقاد هم اصلاً عصباني نشويد. بعضي از انتقادكن‏هاي از دولت، هدفشان اين است كه شما را عصباني كنند، خسته كنند و از جا در ببرند؛ اصلاً انتقاد با اين هدف انجام ميگيرد. يا عيبجوييهاي بيخود؛ ديده‏ايد گاهي يك خبري را تيتر ميكنند، بزرگ ميكنند؛ فردا، پس‏فردايش معلوم ميشود اصلاً دروغ است و اصل ندارد! اينها هم كارهايي است كه بعضيها انجام ميدهند. مطلقاً حالت عصبانيت و بيتابي نبايد به شما دست بدهد. بعد هم شما از همان انتقاد - ولو غيرخيرخواهانه باشد - استقبال كنيد؛ چون گاهي در انتقادهاي خصمانه هم حقايقي وجود دارد كه انتقاد كننده از روي خيرخواهي نميگويد، اما انتقادش واقعي است؛ چه برسد آن كساني كه از روي خيرخواهي از شما انتقاد ميكنند. اصلاً هيچ نرنجيد و از انتقاد استقبال كنيد.[[97]](#footnote-97)

###

### 6- دولت و توصيه هاي اخلاقي

#### اغتنام شمردن نصيحت علماي ديني

نصيحت علماي ديني را قدر بدانيد، مغتنم بشماريد. گاهي علماي دين، بزرگان دين، مراجع حتّي، نصايحي ميكنند، درباره‌‌‌‌‌‌ي مسائلي توصيه‌‌‌‌‌‌هائي ميكنند؛ اين را مغتنم بشمريد؛ اينها را حمل بر محبت و علاقه‌‌‌‌‌‌مندي بكنيد.[[98]](#footnote-98)

#### قدر فرصت خدمت را دانستن

ببينيد فرصت خدمت چه زود ميگذرد! اين براي ما عبرت و درس است؛ از هيچ لحظه‏اي نبايد غفلت كرد و هيچ فرصتي را نبايد از دست داد. شماها بحمداللَّه اغلب جوانيد و داراي نشاط و نيروي جواني هستيد. از اين فرصت حداكثر استفاده را بكنيد؛ قواي جواني، حوصله‏ي جواني، روح ابتكار و روح جسارت و بلندپروازياي كه در جوان هست را در خدمت اين اهداف عالي قرار بدهيد و خسته نشويد. [[99]](#footnote-99)

#### تلاوت قرآن و تدبر در آن

عزيزان من! كساني كه پايشان لغزيد، خيلي از مواردش را كه ما ديديم، ناشي بود از عدم تعمق در امر دين و معارف اسلامي؛ شعائري بود، شعارهايي بود، احساساتي بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت.[[100]](#footnote-100)

#### ارتباط با خدا داشتن و توکل به خدا داشتن

كار را براي خدا بكنيد. نه اينكه چون مردم دوست دارند، اين كار را بكنيد؛ نه. اگر هدف اين شد كه دل مردم را به دست بياوريم، ناكام خواهيم ماند.[[101]](#footnote-101)

#### خودمان را مصون از انحراف نبينيم

نكته‏ي اول اين‏كه گمان مصونيت از انحراف را مطلقاً در خودمان نبايد راه بدهيم؛ يعني هيچ‏كس نبايد بگويد وضع ما كه روشن است و مثلاً در خط صحيح و در خط دين و خدا داريم حركت ميكنيم و منحرف نميشويم؛ نه، چنين چيزي نيست. امكان لغزش و انحراف از خط مستقيم براي همه هست و همه هم وسيله‏ي اجتناب از اين انحراف را دارند؛ يعني اين‏طور نيست كه يك سرنوشت قطعي و حتمي وجود داشته باشد تا ما بگوييم هر كس در اين راه حركت ميكند، ناگزير بايد لغزش پيدا كند؛ نه، انسان ميتواند بدون لغزش و انحراف راه را ادامه دهد. اما مصونيت از انحراف هم تضميني نيست كه انسان بگويد ما كه ديگر منحرف نميشويم؛ بنابراين خاطر جمع سر را روي بالش نرمي بگذارد و از حال خودش غافل شود. هيچ‏كدام از اين دو طرف قضيه نبايد مورد بيتوجهي قرار بگيرد.[[102]](#footnote-102)

#### احساس مسئوليت در برابر خدا داشتن.[[103]](#footnote-103)

#### تطبيق رفتارها و برخورد ها با معيارهاي اسلامي[[104]](#footnote-104)

###

### 7- دولت و دانش و نخبگان

#### توجه به کارهاي کارشناسي

كارشناسان صادق و خوب در دستگاهها و مجموعه‏ي ظرفيت عظيم انساني كشور هستند؛ حتماً از نظر كارشناسي اين افراد صادق و مؤمن استفاده كنيد. كار بدون كارشناسي نبايد انجام بگيرد.[[105]](#footnote-105)

من حرفهايي را كه مخالفان شما و منتقدان باانصاف و بيانصاف شما در زمينه‏ي كارشناسي نشده بودنِ كارهاي دولت ذكر ميكنند، هيچ جدي نميگيرم و آنها ملاك قضاوت من نيست؛ چون ميبينم كه يك جاهائي كارهاي كارشناسي بسيار خوبي هم انجام ميگيرد؛ اما ميخواهم تأكيد كنم بر اين‏كه كار كارشناسي را حقيقتاً جدي بگيريد؛ بخصوص در كارهاي مبنايي و بنياني، مثل مسأله‏ي برنامه‏ريزي و بودجه‏نويسي، يا مسأله‏ي شوراها و امثال اينها؛[[106]](#footnote-106)

...من توصيه نميكنم همه‌‌‌‌‌‌ي آن فرمولها و شيوه‌‌‌‌‌‌هاي اقتصادي را كه امروز اقتصاد بين‌‌‌‌‌‌المللي دارد به كشورها ديكته ميكند، شما از آنها پيروي كنيد؛ نه، اينكه درست عكس نظر ماست. نه، دنبال راه‌‌‌‌‌‌هاي درست باشيد، اما از نظرات كارشناسي علمي و دقيق حتماً بايد پيروي بشود؛ بخصوص در مسائل پولي و بانكي. هيچ نميشود بي‌‌‌‌‌‌احتياطي كرد. يعني اينها چيزهاي بسيار ظريفي است. ناگهان يك اقدام نابجا و نسنجيده، شما مي‌‌‌‌‌‌بينيد كه دره‌‌‌‌‌‌ي هولناكي درست ميكند كه تا بخواهيم آن را پر كنيم و درست كنيم، مبالغي بايد هزينه كنيم و زمان از دست بدهيم. به اين نكته خيلي توجه داشته باشيد[[107]](#footnote-107)

#### استفاده از روش ها و شيوه هاي علمي در مسايل کشور[[108]](#footnote-108)

#### گسترش علم و دانش و فناوري

گسترش آزادانديشي هم مهم است. واقعاً انسانها بايد بتوانند در يك فضاي آزاد فكر كنند. آزادي بيان تابعي از آزادي فكر است. وقتي آزادي فكر بود، به‏طور طبيعي آزادي بيان هم هست. عمده، آزادي فكر است كه انسانها بتوانند آزاد بينديشند. در غير فضاي آزاد فكري، امكان رشد وجود ندارد. براي فكر، براي علم، براي ميدان‏هاي عظيم پيشرفت بشري اصلاً جايي وجود نخواهد داشت[[109]](#footnote-109)

#### توجه به بودجه تحقيقاتي علم و فناوري[[110]](#footnote-110)

#### تعامل با نخبگان

نكته‏ي بعدي، تعامل با نخبگان همفكر و بااخلاص است. آقاي رئيس‏جمهور اشاره كردند در سرتاسر كشور نخبگان زيادي هستند - در تهران هم خيلي هستند، در جاهاي ديگر هم هستند - بايد با اينها تعامل كنيم. البته نشست و برخاست با نخبگان در سفرها خوب است؛ ليكن اين كافي نيست، بيش از اين لازم است. كساني هستند كه با شما همدلند و از جنس شمايند و حقيقتاً هم نخبه‏ي فكري و داراي نظر صائب هستند[[111]](#footnote-111)

###

### 8- دولت و مردم

#### خود را بدهکار مردم دانستن

يعني هميشه در قضاوتهاي خودت مردم را حاكم و طلبگار و محِق بدان و خودت را بدهكار. البته اين معنايش اين نيست كه در موردي هم كه ظلم بخصوصي به تو دارد ميشود، باز بگويي حق با من نيست؛ نه، اين نگاهِ عمومي است.[[112]](#footnote-112)

#### دنبال رضايت عامه مردم بودن

ميفرمايد: «فان سخط العامة يجحف برضي الخاصة»؛ ملاك و مناط و معيار و ميزان كار، رضايت و عدم رضايت عامه‏ي مردم است. چرا؟ چون اگر عامه‏ي مردم نارضايي داشته باشند، رضايت و خشنودي گروههاي خاص از تو بكلي پامال ميشود و از بين ميرود. اي بسا جماعتي به اسم روشنفكر و نخبگان سياسي، طرفدار حكومت و حاكمي هستند، اما عامه‏ي مردم ناراضياند؛ اين نارضايي عمومي مردم، خشنودي و رضايت آن جماعت ويژه را لگدمال ميكند و از بين ميبرد؛ كمااين‏كه ديديم همين كار را كردند. عكس اين هم صادق است؛ «و انّ سخط الخاصة يغتفر مع رضي العامة»؛ اما اگر مردم را راضي كردي و رضايت عمومي را به دست آوردي، سَخَط و ناخشنودي گروههاي خاص قابل بخشش است؛ يعني خيلي اهميتي ندارد و خيلي تأثيري نميگذارد؛ بنابراين برويد سراغ راضي كردن عموم مردم. آن وقت حضرت نگاه حكيمانه‏يي دارد. ما هم در همين مدتهايي كه دستمان توي كار بوده، اين را واقعاً ديديم، لمس كرديم. «و ليس احد من الرعية اثقل علي الوالي مؤونة في الرخاء، و اقل معونة له في البلاء، و اكره للانصاف، و اسأل بالالحاف، و اقل شكوا عند الاعطاء، و ابطا عذرا عند المنع، و اضعف صبرا عند ملمات الدهر من اهل الخاصة»؛ گروههاي خاص در همه‏جا مايه‏ي اذيتند؛ اولاً در وقت رخاء و آسايش و فراواني، مؤونه‏شان بر والي از همه بيشتر است؛ توقعاتشان زياد است؛ فلان چيز را به ما بدهيد، فلان امكان را به ما بدهيد[[113]](#footnote-113)

#### خلف وعده نکردن.[[114]](#footnote-114)

#### منت نگذاشتن بر مردم[[115]](#footnote-115)

#### صداقت داشتن با مردم در مورد کارهاي انجام نشدني

من در يك مورد خاصي به آقاي رئيس‏جمهور گفتم اين مورد را به مردم بگوييد نميشود؛ حتّي اگر پيش از شما هم وعده‏اي داده شده و حالا شما ميبينيد عملي نيست، به مردم بگوييد آقا عملي نيست. مردم هم ميپذيرند.[[116]](#footnote-116)

#### توجه به مصوبات استاني و پيگيري آن ها[[117]](#footnote-117)

#### غنيمت دانستن فرصت براي خدمت

از الان به فكر باشيد و يك روز را هم غنيمت بشماريد؛ يعني يك روز هم نبايد هدر برود. اين‏طور نباشد كه بگوييم چهار سال وقت هست؛ ان‏شاءاللَّه سرِ فرصت به‏كار ميرسيم؛ نه، از همين روز اول و ساعت اول بايد كار را به‏طور جدي شروع كنيد. چون ميدانم نيت‏هايتان خوب و خدايي است و براي خدمت وارد اين مقوله شده‏ايد، مطمئنم كه اگر ان‏شاءاللَّه همين نيت را براي خودتان حفظ كنيد، خداي متعال كمك خواهد كرد. البته بدانيد حفظ نعمت بمراتب مشكل‏تر از كسب نعمت است[[118]](#footnote-118)

####

#### محسوس کردن خدمت رساني

...واقعاً گاهي اوقات دولتها سرمايه‏گذاريهايي كردند كه خيلي هم كلان نبوده؛ اما اثرش را مردم در مقابل چشمشان ديدند. گاهي هم چند برابرِ آن سرمايه‏گذاري ميكنيم و اين‏جا و آن‏جا هم گفته ميشود فلان‏جا سرمايه‏گذاري شد يا از صندوق ذخيره‏ي ارزي فلان مبلغ برداشت شد؛ اما هيچ اثري در زندگي مردم مشاهده نميشود. سعي كنيد خدمت‏رساني شما مابازا داشته باشد؛ يعني واقعاً در همه‏ي بخش‏ها و در همه‏ي وزارتخانه‏ها تحول در خدمت‏رساني به‏وجود بيايد.[[119]](#footnote-119)

#### توجه به ساده زيستي

نكته‏ي بعد، توجه به ساده‏زيستي است. يكي از شعارهاي خوب آقاي احمدينژاد مسأله‏ي ساده‏زيستي است. اين شعار، شعار بسيار مهمي است؛ اين را نبايد دست‏كم گرفت. يك وقت هست كه ما در زندگي شخصي خود مثلاً حركت اشراف‏گونه‏يي داريم بين خودمان و خدا؛ كه اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مكروه باشد، مكروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما يك وقت هست كه ما جلوي چشم مردم يك مانور اشرافيگري ميدهيم؛ اين ديگر مباح و مكروه ندارد؛ همه‏اش حرام است؛ به‏خاطر اين‏كه تعليم‏دهنده‏ي اشرافيگري است به: اولاً زيردست‏هاي خودمان، ثانياً آحاد مردم به اين كار تشويق ميشوند. ما نبايد مردم را به اين كار تشويق كنيم. ممكن است در داخل جامعه كساني پولدار باشند و ريخت و پاش كنند - البته اين كار بدي است، ولي به خودشان مربوط است - اما ريخت و پاش ما اولاً از جيبمان نيست، از بيت‏المال است؛ ثانياً ريخت و پاش ما مشوق ريخت و پاش ديگران است. واقعاً «النّاس علي دين ملوكهم». ملوك در اين‏جا به معني پادشاهان نيست كه بگوييم ما پادشاه نداريم؛ نه، ملوك شماها هستيد؛[[120]](#footnote-120)

##

## د) نکات منفي و سلبي

### غليظ کردن ادبيات ديني بدون تناسب داشتن با رفتار

يكي از آفتهايش اين است كه ما ادبيات ديني را غليظ كنيم؛ بدون اين‏كه مابازايي در عمل داشته باشد. اين ما را، هم به رياكاري ميكشاند و هم رياكاري را در بين مردم تشويق ميكند. اين‏كه ادبيات ديني تقويت شود، من با آن هيچ مخالفتي ندارم؛ ولي بايد مابازا داشته باشد. بيش از آنچه در رفتارمان اسلامي عمل ميكنيم، در زبان و اظهار و تظاهراتمان نخواهيم خود را جلوه دهيم. بيشتر اهميت دادن به فرم تا به محتوا، از آن آفتهاست.[[121]](#footnote-121)

### غرور نداشتن

حضرت ميفرمايند «و لا تقولن اني مؤمر آمر فاطاع»؛ اين‏طور نباشد كه تو بگويي چون در اين كار به من مسؤوليت سپرده شد، من بايد دستور بدهم و ديگران از من اطاعت كنند. «لا تقولن» يعني با تأكيد و مبالغه ميگويد مبادا چنين فكري بكني و چنين حرفي بزني. اين روحيه كه من اين‏جا چون مسؤوليتي دارم، بايد بگويم و ديگران بيچون و چرا حرف من را گوش كنند، «ادغال في القلب» است؛ دل تو را فاسد ميكند. «و منهكة للدين». منهكه، يعني ضعيف‏كننده‏ي روح دين، دينداري و ايمان انسان. «و تقرب من الغير» اين حالت، تغييرات ناخواسته را نزديك ميكند. اعجاب به نفس و غرور و اين‏كه در مسؤوليتي كه من هستم، كسي نبايد روي حرف من حرف بزند، از آن چيزهايي است كه تغيير را نزديك ميكند؛ تغييراتي كه براي انسان نامطلوب است؛ تغييرات زمانه كه آدم نميخواهد پيش بيايد؛ يعني مُلك و دولت و اقتدار و توانايي و فرصتهاي خدمت را از انسان ميگيرد.[[122]](#footnote-122)

### دنيا طلب نبودن

يك عامل هم شهوات و دنياطلبي و امثال اينهاست كه كساني را هم كه عمق دارند، منحرف ميكند. بسيار كساني بودند كه عمق نداشتند. يكي از راههايي كه اين عمق را در اعتقادات انسان، در مباني فكري انسان، در روح انسان، در ايمان انسان ايجاد ميكند، انس با قرآن است. بنابراين در زندگي حتماً قرآنِ با تدبر را در نظر داشته باشيد و نگذاريد حذف شود. [[123]](#footnote-123)

### سطحي نگري نداشتن در امور فرهنگي

مسئله‏ي فرهنگ و قضاياي فرهنگي خيلي مهم است كه من حالا چون اهتمام شماها را به مسائل فرهنگ ميدانم و بحمداللَّه احساس ميكنم كه وزراي فرهنگي ما اهتمام دارند، روي آن تكيه نميكنم؛ والّا من سالهاي گذشته در ديدارهاي با دولتها، يكي از آن بخشهايي كه بيشترين تكيه را روي آن ميكردم، مسئله‏ي فرهنگ بود.[[124]](#footnote-124)

### رفع مظلوميت از حوزه فرهنگ

...الان در گزارش آقاي رئيس‏جمهور، اصلاً اسمي از فرهنگ نيامد؛ يا در اولويت‏بنديها اين اولويت فداي اولويتهاي ديگر شد و آنها تقدم پيدا كرد كه در كوتاهي وقت، بيان بشود! اين مظلوميت است ديگر. واقعاً مسأله‏ي فرهنگ را دست كم نگيريد. خيلي از مشكلات جامعه‏ي ما با فرهنگ‏سازي حل ميشود. توجه بكنيد كه امروز، عمده‏قواي دشمنان ما در جبهه‏ي فرهنگي دارد كار ميكند. اين جنگهاي رواني، اين فعاليتهاي فرهنگي، اين بودجه‏هاي پنهان و آشكاري كه براي منحرف كردن ذهنها ميگذارند، همه‏اش مربوط به مسئله‏ي فرهنگ است. [[125]](#footnote-125)

### دقت در جذب و صرف بودجه هاي فرهنگي[[126]](#footnote-126)

### توقعات مردم را بالا نگه نداريد با وعده هاي بدون ضمانت اجرايي

همان طور كه عرض كردم، شما دولتي هستيد مردمي؛ يعني مردم وقتي حرف شما و صداي شما را ميشنوند، كأنّه از جنس خودشان يك حرفي ميشنوند؛ چون از موضع بالا و متكبرانه با مردم حرف نميزنيد؛ خب، طبعاً توقعاتشان زياد ميشود. پس اين خوب است؛ اما توقعات را هم زياد ميكند. اگر چنانچه يك جائي بر خلاف اين توقعات رفتار شد، در ايمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود ميآيد و اين جايز نيست؛ نبايد بگذاريد چنين اتفاقي بيفتد. آنچه كه وعده ميدهيد انجام بگيرد. اگر نميشود، همان وعده‏اي كه داده‏ايد، صاف بيائيد به مردم بگوئيد نميشود.[[127]](#footnote-127)

### بهانه به دست ديگران ندهيد

يك توصيه‏ي ديگر اين است كه بهانه هم دست ديگران ندهيد. من ميبينم متأسفانه گاهي بهانه‏هايي هم از طرف خودِ شما داده ميشود كه اين را هم بايستي توجه كنيد كه بهانه هم دست ديگران ندهيد؛ مراقبت كنيد؛ حزم كنيد. و گفت: «اتّقوا من مواضع التّهم».

### عدم موازي کاري در دولت

در دولت نبايد كارهاي موازي انجام بگيرد. كار موازي چند عيب دارد: اولاً هزينه‌ي انساني زيادي بيجا مصرف ميشود، ثانياً هزينه‌ي مالي زيادي مصرف ميشود، ثالثاً تناقض در تصميم‌گيري‌ها به وجود مي‌آيد - وقتي دو دستگاه مسئول يك كاري هستند، اين يك تصميم ميگيرد، آن هم يك تصميم ديگر ميگيرد - و رابعاً از همه بالاتر، مسئوليت لوث ميشود.[[128]](#footnote-128)

### عدم مشورت بانخبگان

...در ملاقاتهاي متعددي كه من با نخبگان و زبدگان كشور - دانشگاهي، حوزوي - در سطوح مختلف دارم، مكرر از شما مسئولان محترم گله ميكنند كه اينها در بين ما نمي‌آيند و با ما در اين زمينه‌ها صحبت نميكنند. اين اشكال بر شما وارد است. من چند روز پيش هم در [ديدار اساتيد دانشگاه](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17082) همين را مطرح كردم. آنها بارها به من گفتند، در آن جلسه هم گفتند؛ من هم مطرح كردم.[[129]](#footnote-129)

### واردات بي رويه

...در زمينه‌ي سياستهاي واردات، يك بازنگري جدي بكنيد؛ بخصوص در كالاهائي كه ما مزيت توليدي داريم؛ چه صنعتي، چه كشاورزي. از نگاه بخشي به واردات - كه حالا هر بخش دولتي طبق نيازهاي خودش دنبال واردات برود - حتماً پرهيز شود.[[130]](#footnote-130)

### دچار حاشيه سازي نشويد[[131]](#footnote-131)

### کنترل نقدينگي بازار

خب، عوامل نقدينگي هم زياد است. همين يارانه‌‌هاي نقدي كه داده ميشود - كه براي قشرهائي كار مفيدي هم بوده - خودش افزايش نقدينگي ايجاد ميكند. همين كارهاي عمراني‌‌اي كه شما ميكنيد - كه اينها ديربازده است - اينها بلاشك افزايش نقدينگي ايجاد ميكند. همين مسئله‌‌ي مسكن مهر كه صحبت شد، يا همين طرحهاي نيمه‌‌تمام را كه افزايش ميدهيد، اين كاري كه در دولت دارند ميكنند - كه كار خوبي هم هست و لازم هم هست - خود اينها ايجاد افزايش نقدينگي ميكند. براي اين مسئله بايد راهكار پيدا كنيد. شما افراد صاحب علمي هستيد، صاحب تجربه هستيد، دستتان در كار است؛ براي اينها راه پيدا كنيد. اين نقدينگي افزايش‌‌يافته را هدايت كنيد به سمت مراكزي كه كمك كند به گشايش كار مردم؛ مثل توليد.[[132]](#footnote-132)

### عدم تحقق وعده ها به مردم

اگر خداي نكرده طوري بشود كه نتوانيم آنچه را كه مردم درباره‏ي مجموعه‏مان تصور ميكنند، آن را تحقق ببخشيم، خسارت بزرگ خواهد بود و به اين جريان و جهت‏گيري حتماً ضربه وارد خواهد آمد. آن وقت اميرالمؤمنين فرمود: «و لقلّ ما شيء ادبر ثمّ اقبل»؛ موجي كه برگشت و رفت، ديگر خيلي آسان اين طرف نميايد و برنميگردد. خون دلها بايد خورد و زحمتها بايد كشيد تا اينكه باز براي اقبال و توجهي كه امروز وجود دارد، زمينه فراهم شود. اين را نبايد از دست داد.[[133]](#footnote-133)

1. بيانات در ديدار كارگزاران نظام1379/09/12 [↑](#footnote-ref-1)
2. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره).  14/3/1380 [↑](#footnote-ref-2)
3. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شهرستان جيرفت   17/2/ 1384 [↑](#footnote-ref-3)
4. بيانات‌ رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار اقشار مختلف مردم‌ 25/3/1384 [↑](#footnote-ref-4)
5. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مردم استان كردستان‌ در ميدان آزادى سنندج‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. بيانات‌ رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار مردم پاكدشت 10/11/1383 [↑](#footnote-ref-6)
7. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم رضوي عليه السلام 1/1/1384 [↑](#footnote-ref-7)
8. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالگرد ارتحال حضرت امام خمينى(ره) 14/3/1384 [↑](#footnote-ref-8)
9. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم  19/10/1391 [↑](#footnote-ref-9)
10. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم رضوی 1/1/1392 [↑](#footnote-ref-10)
11. متن تنفيذ حکم رياست جمهوري آقاي دکتر محمود احمدي نژاد ۱۳۸۴/۰۵/۱۲ [↑](#footnote-ref-11)
12. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت6/6/1391 [↑](#footnote-ref-12)
13. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-13)
14. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-14)
15. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-15)
16. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-16)
17. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-17)
18. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-18)
19. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-19)
20. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-20)
21. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-21)
22. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-22)
23. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-23)
24. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-24)
25. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-25)
26. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-26)
27. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-27)
28. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-28)
29. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-29)
30. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-30)
31. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-31)
32. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-32)
33. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-33)
34. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-34)
35. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-35)
36. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-36)
37. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-37)
38. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-38)
39. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-39)
40. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-40)
41. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-41)
42. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-42)
43. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-43)
44. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-44)
45. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-45)
46. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-46)
47. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-47)
48. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-48)
49. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در مراسم تنفيذ حكم رياست جمهوري دكتر محمود احمدي نژاد‏ ۱۳۸۴/۰۵/۱۲ [↑](#footnote-ref-49)
50. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-50)
51. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-51)
52. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-52)
53. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-53)
54. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-54)
55. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-55)
56. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-56)
57. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-57)
58. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-58)
59. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-59)
60. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳91/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-60)
61. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-61)
62. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-62)
63. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-63)
64. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-64)
65. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-65)
66. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در مراسم تنفيذ حكم رياست جمهوري دكتر محمود احمدي نژاد‏ ۱۳۸۴/۰۵/۱۲ [↑](#footnote-ref-66)
67. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-67)
68. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-68)
69. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-69)
70. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-70)
71. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-71)
72. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-72)
73. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-73)
74. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-74)
75. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-75)
76. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-76)
77. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-77)
78. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-78)
79. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-79)
80. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-80)
81. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-81)
82. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-82)
83. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-83)
84. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-84)
85. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-85)
86. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-86)
87. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-87)
88. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-88)
89. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-89)
90. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-90)
91. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-91)
92. بيانات در مراسم تنفيذ حكم دهمين دوره رياست جمهوري12/5/1388 [↑](#footnote-ref-92)
93. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-93)
94. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-94)
95. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-95)
96. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-96)
97. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-97)
98. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-98)
99. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-99)
100. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-100)
101. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-101)
102. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-102)
103. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-103)
104. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-104)
105. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-105)
106. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-106)
107. بيانات در ديدار اعضاي هيئت دولت18/6/1388 [↑](#footnote-ref-107)
108. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در مراسم تنفيذ حكم رياست جمهوري دكتر محمود احمدينژاد‏ ۱۳۸۴/۰۵/۱۲ [↑](#footnote-ref-108)
109. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-109)
110. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-110)
111. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-111)
112. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-112)
113. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-113)
114. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-114)
115. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-115)
116. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-116)
117. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-117)
118. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-118)
119. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-119)
120. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-120)
121. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار رئيس جمهور و هيأت وزيران‏‏ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸ [↑](#footnote-ref-121)
122. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-122)
123. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار اعضاي هيأت دولت‏‏ ۱۳۸۴/۰۷/۱۷ [↑](#footnote-ref-123)
124. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-124)
125. بيانات معظم له در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ [↑](#footnote-ref-125)
126. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-126)
127. ديدار رئيس‏جمهوري و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ [↑](#footnote-ref-127)
128. بيانات در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت‌8/6/1389 [↑](#footnote-ref-128)
129. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-129)
130. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-130)
131. بيانات در ديدار رئيس‌جمهوري و اعضاي هيئت دولت6/6/1390 [↑](#footnote-ref-131)
132. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1391/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-132)
133. بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار با رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶ [↑](#footnote-ref-133)